

علم ثروتمند شدن

یا

موفقیت مالی از طریق تفکر

خلاق

نویسنده:

والاس وتلز

مترجم:

عبداله خوشنودی

مقدمه مترجم

همان طور که نویسنده خود توضیح داده است هدف این کتاب تشریح علم ثروتمند شدن و جذب ثروت به زندگی است. این کتاب نیز مانند سایر کتاب‌های روانشناسی که در زمینه موفقیت نوشته شده است، فرایند کسب موفقیت را تشریح و بر نقش تصویرسازی ذهنی برای شفافیت بخشیدن به هدف‌ها تأکید کرده و توصیه می‌کند که انسان باید برای رسیدن به هدف خود قبل از هر چیز تصویری واضح و شفاف از آنچه می‌خواهد در ذهن داشته باشد. با داشتن تصویری مبهم از هدف در ذهن، نمی‌توان در راه رسیدن به آن گام برداشت. مسئله دوم در این مورد این است که انسان باید علاوه بر این از علاقه و انگیزه کافی برای رسیدن به هدف خود برخوردار باشد و مطمئن باشد که می‌تواند به هدف خود برسد. بر مبنای این کتاب انسان برای رسیدن به اهداف خود باید به روشی خاص تفکر و عمل کند. عمده مطالب این کتاب صرف توضیح و تشریح فکر کردن به روش خاص و عمل کردن به روش خاص می‌شود. خواننده می‌تواند برای آشنایی با این دو موضوع به متن کتاب مراجعه کند. نویسنده در متن کتاب به شیوه‌ای ساده و جذاب این دو موضوع را تشریح می‌کند. بنابر اعتقاد نویسنده برای تحقق اهداف لازم است که نیروی فکر و رفتار شخصی انسان با هم ترکیب شود.

با وجود اینکه تمرکز این کتاب بر ثروتمند شدن است اما فرایندی که برای کسب ثروت توضیح داده شده است، در مورد هر هدف دیگری قابل کاربرد است. همان‌طور که نویسنده خود می‌گوید با به کار بستن دستورالعمل‌های ذکر شده در این کتاب می‌توانید به آنچه که می‌خواهید برسید.

مزیت این کتاب در مقایسه با سایر کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است در این است که این کتاب علاوه بر تأکید زیادی که روی فکر کردن در مورد اهداف دارد بر این نکته نیز تأکید می‌کند که تنها با تمرکز فکری روی اهداف نمی‌توان به آنها تحقق بخشید. تفکر در مورد تصویر ذهنی مربوط به هدف، بدون هیچ گونه تلاشی برای رسیدن به آن، رؤیاپردازی محض است و انسان را به خواسته‌هایش نمی‌رساند. برای تحقق خواسته‌ها لازم است که فکر با رفتار و عمل شخصی ترکیب شود و انسان با تمام وجود برای رسیدن به هدف تلاش کند. این کتاب به درستی روی نقش رفتار شخصی تأکید می‌کند و می‌گوید: «قبل از اینکه منتظر تغییر شرایط باشید با رفتار خود شرایط را تغییر دهید». همچنین با طرح بحث «رفتار کردن به روش خاص» به خوبی نشان می‌دهد که برای دستیابی به اهداف از کجا باید فعالیت خود را شروع کرد و چگونه رفتار خود را برای رسیدن به هدف تنظیم کرد. بر مبنای دستورالعمل‌ها و مطالب ذکر شده در این کتاب انسان در راه رسیدن به اهداف خود، هم در عرصه فکر و هم در عرصه عمل از سردرگمی و ابهام نجات پیدا می‌کند و می‌تواند به نحوی مؤثر در راه تحقق بخشیدن به اهداف خود گام بردارد.

نوشته ای از راندا برن خالق و مدیر اجرایی راز

کمتر از دو سال پیش زمانی که من درگیر مسائل زندگی در زمینه‌های مختلف کار، روابط، خانواده و ... بودم به طور اتفاقی به این کتاب برخورددم. یا اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم این کتاب اتفاقی با من برخورد کرد. می‌توانم با صداقت بگویم که از اولین شبی که یک نسخه چاپی قدیمی از کتاب بدستم رسید (با تشکر از یکی از دخترانم) زندگی‌ام هرگز مشابه قبل نبود. زمانی که خودتان آن را بخوانید، دلیلش را می‌فهمید. و این «دلیل» چیزی بود که من قبلاً به دنبال آن بودم. چرا برخی از افراد وجود دارند که به نظر می‌آید ثروت نامحدودی را به زندگی‌شان جذب کرده‌اند در حالی که برخی دیگر از افراد که از استعدادها و توانایی‌های مشابهی برخوردارند، از فقر و نداری رنج می‌برند؟ همان‌طور که در این کتاب خواهید دید، اگر شما به روشی که در این کتاب کوچک عجیب آمده است عمل کنید، لازم نیست کاری در مورد آموزش، موقعیت، استعدادها، توانایی‌های ذهنی یا جغرافیا انجام دهید. والاس و تلز به سادگی توضیح می‌دهد که چگونه یک نفر می‌تواند بدون توجه به پیشینه یا شرایط قبلی‌اش ثروت را وارد زندگی‌اش کند.

جمله آغازی فصل یک این شاهکار کوچک می‌گوید که:

«هر چقدر که در تحسین فقر سخن گفته شود، حقیقتی که باقی می‌ماند این است که غیرممکن است که یک فرد زندگی کامل و موفقی داشته باشد مگر اینکه ثروتمند شود.»

و زمانی که من این مطلب را خوانده و هضم کردم، ناگهان زندگی‌ام تغییر کرد. کسب و کار من در زمینه تولید تلویزیون شروع به ترقی کرد. روابطم به شیوه حیرت‌انگیزی التیام پیدا کرد و موفقیت‌های حیرت‌انگیزی از هر جهت به سوی من سرازیر شد. این یک تجربه مشترک برای تمام کسانی است که این کتاب عظیم را کشف می‌کنند و این موضوع در مورد شما نیز صادق خواهد بود زمانی که مفاهیم ساده آن را یاد گرفته و به کار بندید. این کتاب کلید دسترسی شما به پیشرفتی است که آرزوی آن را دارید. این کتاب زندگی شما را تغییر خواهد داد. زمانی که کتاب را می‌خوانید توجه داشته باشید که حدود ۱۰۰ سال پیش نوشته شده است. برخی از کلمات آن قدیمی شده است و شما نیاز دارید که با آن را با ذهنی باز بخوانید. همچنین به یاد داشته باشید که شما به دنبال کشف یک واقعیت حیرت‌انگیز هستید. شما به دنبال یادگیری اصول اساسی تولید ثروت و موفقیت در زندگی هستید. با آن همراه شوید و همان‌طور که خود والاس می‌گوید به آن اعتماد کنید و باور داشته باشید. آنچه شما در زندگی لازم دارید در اینجا منتظر شماست و آنچه می‌خواهید با این کتاب در دستانتان شماست.

راندا برن

این کتاب یک کتاب فلسفی نیست در عوض یک کتاب عملی است. یک رساله عملی است و یک مقاله تئوریک نیست و برای مردان و زنانی طراحی شده است که نیاز مبرمی به پول دارند؛ کسانی که می‌خواهند اول ثروتمند شوند و بعد از آن به دنبال علم و فلسفه بروند. این کتاب برای کسانی است که تا به حال وقت، ابزار و فرصت کافی برای مطالعه عمیق متافیزیک نداشته‌اند ولی در عوض به دنبال نتیجه‌اند و می‌خواهند از علم به عنوان پایه‌ای برای فعالیت‌ها، نتیجه بگیرند بدون اینکه وارد فرآیندهایی شوند که آن نتایج بدست می‌آیند.

از خواننده انتظار می‌رود که به مطالب اساسی این کتاب به عنوان واقعیت بنگرد همان طور که به مطالب مرتبط به قانون الکتروسیسته می‌نگرد که توسط مارکونی یا ادیسون منتشر شده است و طوری به مطالب ایمان داشته باشد که انگار این ایمان را از طریق عمل کردن به آنها بدون شک و تردید به دست آورده است. هر مرد یا زنی که این کار را انجام دهد بدون شک ثروتمند می‌شود. زیرا علمی که در این باره به کار می‌رود یک علم دقیق است و شکست در آن غیرممکن است. با این وجود برای اطمینان بیشتر کسانی که می‌خواهند از طریق بررسی تئوریک و علمی، پایه‌ای منطقی برای اعتقاد خود به وجود آورند، در اینجا برخی از مسائل اساسی را بیان خواهیم کرد.

تئوری یکتایی جهان که در آن یکی برابر همه و همه برابر یکی است و بر طبق آن یک ماده خود را به صورت عناصر مختلف جهان مادی نمایان می‌سازد، دارای مبدأ هندویی است و به تدریج در طول ۲۰۰ سال بر اندیشه جهان غربی غلبه کرده است. این تئوری پایه همه فلسفه‌های شرقی و پایه کار فیلسوفانی نظیر دکارت، اسپینوزا، لایبنیتز، شوپنهاور، هگل و امرسون است. به خواننده‌ای که به دنبال موشکافی بنیادهای فلسفی این تئوری می‌باشد توصیه می‌شود که کتاب‌های هگل و امرسون را در این باره بخواند.

در تألیف این کتاب من سایر ملاحظات را فدای سادگی مطلب کرده‌ام طوری که برای همه قابل فهم باشد. آنچه در این کتاب در مورد روش فعالیت ذکر شده است از نتایج همین فلسفه‌ها برگرفته شده است. این تئوری به صورت دقیق تست شده است و آزمایش‌های سنگین تجربی را تحمل کرده است. اگر به دنبال این هستید که بدانید چگونه این نتایج حاصل شده است، نوشته‌های کسانی را که در بالا ذکر شد بخوانید و اگر می‌خواهید از میوه فلسفه آنان در تجربه واقعی استفاده کنید این کتاب را بخوانید و به آنچه به شما می‌گوید دقیقاً عمل کنید.

نویسنده

حق ثروتمند شدن

هر چه در ستایش فقر گفته شود، حقیقتی که باز باقی می‌ماند این است که غیرممکن است یک فرد دارای زندگی کامل و موفقی باشد مگر اینکه ثروتمند شود. هیچ فردی نمی‌تواند به بالاترین مرتبه ارتقای استعدادها و کمال روحی برسد مگر اینکه مقداری پول داشته باشد. هر فرد برای کمال روحی و شکوفایی استعدادهای خود نیاز به استفاده از ابزارهایی دارد که بدون داشتن پول نمی‌تواند آنها را بخرد.

یک فرد زمانی از نظر ذهنی، روحی و جسمی به شکوفایی می‌رسد که از یک سری ابزار استفاده کند و جامعه طوری سازمان یافته است که فرد برای بدست آوردن ابزار خودشکوفایی باید پول داشته باشد. بنابراین پایه همه پیشرفت‌ها برای هر فرد باید علم ثروتمند شدن باشد.

هدف همه زندگی‌ها پیشرفت است و هر موجود زنده‌ای حق دارد که به همه پیشرفتی که قادر است دست یابد.

داشتن حق زندگی برای بشر بدین معنی است که او می‌تواند از همه ابزاری که برای شکوفایی ذهنی، روحی و جسمی او لازم است، به صورت آزادانه و بدون هیچ محدودیتی استفاده کند. و به عبارت دیگر او حق دارد که ثروتمند شود.

در این کتاب نباید در مورد ثروتمند شدن به صورتی تلویحی صحبت کنم. ثروتمندی واقعی بدین معنی نیست که انسان در حد پایینی ارضا شود. هیچ فردی نباید به کم قانع باشد در صورتی که بتواند بیشتر استفاده کند و لذت ببرد. هدف طبیعت پیشرفت و ترقی زندگی است و هر انسانی باید همه آن چیزهایی را که برای قدرت، زیبایی و ثروت در زندگی لازم است، بدست آورد. رضایت به کم گناهکاری است.

انسانی که همه چیزهایی را که برای زندگی در طول عمرش لازم است، داشته باشد، ثروتمند است و هیچ فردی بدون داشتن پول نمی‌تواند همه چیزهایی را که می‌خواهد داشته باشد. زندگی آن قدر پیچیده شده است که حتی اغلب مردان و زنان معمولی برای داشتن یک زندگی کامل به ثروت زیادی نیاز دارند. هر فردی به طور طبیعی می‌خواهد که به آنچه قادر است برسد. علاقه به شکوفایی استعدادها جزئی از ذات بشر است. موفقیت در زندگی بدین معناست که شما آنچه بشوید که می‌خواهید باشید. شما فقط با استفاده از ابزار و اشیا می‌توانید آنچه بشوید که می‌خواهید و زمانی می‌توانید از این ابزار به صورت آزادانه استفاده کنید که به حد کافی ثروتمند شده باشید که آنها را بخرید. بنابراین یادگیری علم ثروتمند شدن، ضروری‌ترین دانش‌هاست.

هیچ چیز غلطی در خواسته ثروتمند شدن وجود ندارد. علاقه به ثروتمند شدن در واقع علاقه به زندگی مرفه‌تر و کامل‌تر است و این علاقه دارای ارزش است. فردی که به دنبال زندگی مرفه‌تری نیست، فردی غیرنرمال است و بنابراین فردی که علاقه‌ای به داشتن پول کافی برای خرید آنچه در زندگی می‌خواهد، ندارد نیز فردی غیرنرمال است.

سه انگیزه برای زندگی وجود دارد: ما برای بدن، ذهن و روح خود زندگی می‌کنیم. هیچ کدام از این سه انگیزه از دیگری برتر و مقدس‌تر نیست. همه آنها به یک اندازه اهمیت دارند و هیچ کدام نمی‌تواند بدون کامل شدن دو انگیزه دیگر تکمیل شود. هیچ فردی حق ندارد که فقط برای روح خود زندگی کند و ذهن و جسم را فراموش کند. همچنین فرد نباید فقط برای عقل خود کار کند و بدن و روح خود را فراموش کند.

همه ما با آثار سوء ناشی از زندگی برای جسم و انکار ذهن و روح آشنایی داریم و همه می‌دانیم که زندگی واقعی به معنی تجلی و بروز همه چیزهایی است که فرد می‌تواند از طریق جسم، ذهن و روح آشکار کند. هیچ فردی نمی‌تواند واقعاً شاد و راضی باشد مگر اینکه بدنش بتواند همه کارکردهایش را به خوبی انجام دهد و ذهن و روح او نیز همین‌طور باشد. تا زمانی که برخی استعدادها شکوفا نشده و برخی کارکردها به خوبی انجام نمی‌شود، علایق ارضا نشده وجود دارد. این علایق به دنبال بروز دادن خود هستند و کارکردها نیز در جستجوی انجام شدن.

انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت، مسکن گرم و آزادی برای فعالیت اضافی، در طول زندگی خود جسم سالمی داشته باشد. استراحت و سرگرمی نیز برای زندگی فیزیکی ضروری است. به همین طریق انسان نمی‌تواند بدون کتاب‌ها و مطالعه آنها، بدون فرصتی برای مسافرت و مشاهده و بدون همنشینی دانشمندان، ذهن پرباری داشته باشد.

به منظور داشتن ذهن پربار، انسان باید تفریحات ذهنی داشته باشد و نیز بتواند خود را با همه زیبایی‌ها و هنرهایی که می‌تواند از آنها استفاده کند، مشغول سازد.

به منظور تکامل روح، انسان باید بتواند عشق بورزد و فقر جلوی بروز عشق را می‌گیرد. بزرگترین شادی برای هر انسان زمانی بروز می‌کند که بتواند منفعتی را به کسانی که به آنها عشق می‌ورزد، ارزانی دارد. تجلی طبیعی و خودبخودی عشق در «عطا کردن» بروز پیدا می‌کند. انسانی که چیزی برای بخشیدن ندارد نمی‌تواند جایگاه خود را به عنوان یک شوهر، پدر، شهروند یا انسان پر کند. با استفاده از اشیای مادی

است که انسان می‌تواند جسم سالمی داشته باشد، ذهن خود را توسعه دهد و روحش را تکامل بخشد. بنابراین ثروتمند شدن برای هر انسان ارزش والایی دارد.

اینکه شما باید به ثروتمند شدن علاقه داشته باشید، بحث کاملاً درستی است. اگر شما یک مرد و یا زن نرمال باشید نمی‌توانید اینطور نباشید. بنابراین باید توجه زیادی به علم ثروتمند شدن داشته باشید زیرا این علم پراهیم‌ترین و ضروری‌ترین دانش‌هاست. اگر این دانش را نادیده بگیرید، در وظیفه خود نسبت به خودتان، خدا و بشریت کوتاهی کرده‌اید.

علم ثروتمند شدن

علم ثروتمند شدن علمی است که شبیه جبر یا ریاضی یک علم دقیق است. قوانین خاصی وجود دارند که فرآیند بدست آوردن ثروت را مدیریت می‌کنند. زمانی که یک فرد این قوانین را یاد بگیرد و از آنها تبعیت کند، یقیناً ثروتمند خواهد شد.

کسب پول و دارایی در صورتی امکان‌پذیر است که کارها به روش خاصی انجام گیرد. کسانی که کارهای خود را چه به صورت هدفدار و چه از روی تصادف به این روش خاص انجام می‌دهند، ثروتمند می‌شوند. در حالی که افرادی که کارهای خود را به این روش انجام نمی‌دهند بدون توجه به اینکه چقدر تلاش می‌کنند و چه توانایی‌هایی دارند، فقیر می‌مانند.

بر مبنای یک قانون طبیعی، علت‌های مشابه، نتایج مشابه دارند. بنابراین هر مرد یا زنی که انجام کارها را به این روش خاص انجام دهد به طور حتم ثروتمند می‌شود.

بنابراین بهتر است که عبارات بالا در قالب واقعیت‌های زیر ارائه شود:

ثروتمند شدن ناشی از شرایط محیطی نیست زیرا اگر اینطور باشد همه افرادی که در مجاورت هم زندگی می‌کنند ثروتمند خواهند شد؛ همه مردم یک شهر ثروتمند خواهند بود در حالی که مردم شهر دیگر فقیر خواهند شد؛ ساکنان یک ایالت دارای ثروت خواهند بود در حالی که ساکنان ایالت مجاور در فقر بسر خواهند برد.

ولی ما در همه جا می‌بینیم که ثروتمند و فقیر در یک محیط مشابه در کنار هم زندگی می‌کنند و حتی اغلب اوقات فعالیت‌های مشابهی انجام می‌دهند. این موضوع که بین دو فرد خاص که در یک مکان زندگی

می‌کنند و دارای یک شغل می‌باشند، یکی از آنها ثروتمند می‌شود در حالی که دیگری فقیر می‌ماند، نشان دهنده این است که ثروتمند شدن معلول محیط نیست. ممکن است برخی محیط‌ها از برخی دیگر غنی‌تر باشند ولی زمانی که دو فرد در یک مکان خاص و در یک شغل هستند و یکی از آنها ثروتمند می‌شود در حالی که دیگری نمی‌تواند ثروتمند شود این نتیجه حاصل می‌شود که ثروتمند شدن نتیجه انجام کارها به روشی خاص است.

علاوه بر این انجام کارها به روش خاص صرفاً ناشی از داشتن برخی استعدادها نیست زیرا بسیاری از افرادی که استعدادهای زیادی دارند فقیر می‌مانند در حالی که برخی دیگر با استعدادهای کم ثروتمند می‌شوند. ما با مطالعه افرادی که ثروتمند شده‌اند به این نتیجه رسیدیم که به طور متوسط استعدادها و توانایی‌های آنها از سایر افراد بیشتر نیست. این موضوع نشان می‌دهد که ثروتمندی این افراد ناشی از داشتن استعدادها و توانایی‌های خاص و محروم بودن سایرین از این استعدادها و توانایی‌ها نیست بلکه به دلیل این است که آنها کارها را به روشی خاص انجام داده‌اند.

ثروتمند شدن ناشی از پس‌انداز و صرفه‌جویی نیست. بسیاری از افراد خسیس فقیرند در حالی که افراد دست و دل‌باز اغلب ثروتمند می‌شوند.

ثروتمند شدن همچنین ناشی از انجام کارهایی که دیگران قادر به انجام آنها نیستند نمی‌باشد زیرا از بین دو مرد که یک شغل دارند و اغلب کارهای مشابهی را انجام می‌دهند، یکی ثروتمند می‌شود و دیگری فقیر می‌ماند یا ورشکست می‌شود.

از همه این مطالب به این نتیجه می‌رسیم که ثروتمند شدن معلول انجام کارها به روشی خاص است. وقتی ثروتمند شدن نتیجه انجام دادن کارها به روشی خاص است و علت‌های مشابه نتایج مشابهی دارند، هر مرد یا زنی که کارهای خود را به این روش خاص انجام دهد ثروتمند می‌شود و همه این موضوع ناشی از یک علم دقیق است.

سؤال که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این روش آنقدر مشکل نیست که فقط افراد معدودی قادر به انجام آن باشند. تا آنجا که ما می‌دانیم این مطلب درست نیست و این روش به توانایی‌های طبیعی افراد مربوط می‌شود؛ افراد با استعداد ثروتمند می‌شوند و افراد بی‌استعداد نیز ثروتمند می‌شوند؛ افراد روشن‌فکر ثروتمند می‌شوند و افراد خیلی نادان نیز ثروتمند می‌شوند؛ افراد قوی ثروتمند می‌شوند و افراد ضعیف نیز ثروتمند می‌شوند.

البته حدی از توانایی و تفکر و دانایی ضروری است ولی با توجه به اینکه این موضوع به استعدادهاى طبیعی مربوط می‌شود، هر مرد یا زنی که به اندازه خواندن و درک این کلمات توانایی دارد، مطمئناً می‌تواند ثروتمند شود.

با وجود اینکه دیدیم که ثروتمند شدن ناشی از عوامل محیطی نیست، وجود مکان برای برخی کارها ضروری است و یک فرد نباید به قلب صحرا برود و انتظار داشته باشد که کسب و کار خود را با موفقیت انجام دهد.

ثروتمند شدن نیازمند ارتباط و سروکار داشتن با مردم و حضور در مکان‌هایی است که این ارتباط امکان-پذیر است. و اگر این مردم متمایل به ارتباط با شما باشند که چه بهتر.

اگر یک فرد دیگر در شهر شما می‌تواند ثروتمند شود، شما نیز می‌توانید و اگر یک نفر دیگر در ایالت شما می‌تواند ثروتمند شود شما نیز می‌توانید.

ذکر دوباره این مطلب ضروری است که ثروتمند شدن نیازمند انجام برخی مشاغل و حرفه‌های خاص نیست. افراد در هر کار و در هر حرفه‌ای ثروتمند می‌شوند در حالی که افراد همسایه آنها در همان حرفه فقیر باقی می‌مانند.

این مطلب درست است که شما کاری را که به آن علاقه دارید و با شما سازگاری بیشتری دارد بهتر انجام می‌دهید و اگر شما استعدادهاى خاصی داشته باشید در کارهایی که به آن استعدادها نیاز دارند، بهتر عمل خواهید کرد.

همچنین شما در کاری که با محل زندگی شما سازگارتر است بهتر عمل خواهید کرد؛ یک فرد بستنی ساز در یک منطقه گرم بهتر عمل خواهد کرد تا در گرینلند؛ و یک فرد ماهیگیر در شمال غرب موفق‌تر خواهد بود تا در فلوریدا، زیرا در آنجا ماهی وجود ندارد.

ولی در کنار همه این محدودیت‌ها، ثروتمند شدن بستگی به وارد شدن در برخی کسب و کارهای خاص نیست و در نتیجه یادگیری انجام کارها به روشی خاص حاصل می‌شود. اگر شما اکنون صاحب شغل خاصی هستید و فرد دیگری در محل زندگی شما و در شغل مشابه، ثروتمند می‌شود، چرا شما ثروتمند نمی‌شوید؟ علت این است که شما کارها را به روشی خاص انجام نمی‌دهید در حالی که فرد دیگری انجام می‌دهد.

فقدان سرمایه برای هیچ کس مانع ثروتمند شدن نبوده است. درست است که زمانی که سرمایه دارید، افزایش ثروت شما خیلی ساده و سریع می‌شود اما کسی که دارای سرمایه است ثروتمند می‌باشد و نیاز به این ندارد که بداند چگونه ثروتمند می‌شود. بدون توجه به اینکه چقدر فقیر هستید اگر شروع به انجام کارهای خود به روش خاص کنید، ثروتمند و دارای سرمایه می‌شوید. بدست آوردن سرمایه بخشی از فرآیند ثروتمند شدن است و داشتن سرمایه بخشی از نتایج ناشی از انجام کارها به روش خاص می‌باشد. ممکن است در منطقه خود فقیرترین فرد باشید؛ بدهی بالایی داشته باشید؛ هیچ دوستی نداشته باشید و هیچ اعتبار و مکتبی نداشته باشید اما اگر شروع به انجام کارها به روش خاص کنید بدون تردید شروع به ثروتمند شدن می‌کنید زیرا علت‌های مشابه، نتایج مشابهی دارند. اگر سرمایه ندارید می‌توانید آن را بدست آورید؛ اگر شغل مناسبی ندارید می‌توانید وارد شغل مناسبی شوید؛ اگر در مکان نامناسبی هستید می‌توانید به مکان مناسبی بروید. می‌توانید در شغل فعلی و در مکان فعلی خود شروع به انجام کارها به روش خاص کنید و موفق شوید.

آیا فرصت‌ها انحصاری‌اند؟

هیچ فردی به خاطر اینکه نداشتن فرصت و به خاطر اینکه سایر افراد ثروت را در انحصار خود درآورده- اند و دیواری دور او کشیده‌اند، فقیر نشده است. ممکن است فرصت انجام برخی کارها از شما گرفته شده باشد ولی مسیرهای دیگری به روی شما باز است. ممکن است که کنترل یک سیستم راه آهن بزرگ برای شما سخت باشد زیرا این صنعت به طور کامل انحصاری است. اما راه آهن برقی هنوز دوران کودکی خود را طی می‌کند و فرصت‌های زیادی را برای کارآفرینان ارئه می‌کند.^۱ و هنوز از آغاز حمل و نقل هوایی وقت زیادی نمی‌گذرد و در همه شاخه‌های این صنعت فرصت‌های اشتغال فراوانی برای صدها هزار و یا شاید چند میلیون نفر وجود دارد.^۲ پس چرا به جای رقابت با جی.جی. هیل^۳ و دیگران در مورد راه آهن، توجه خود را بر توسعه حمل و نقل هوایی معطوف نکنید.

این مطلب کاملاً درست است که اگر شما کارمند یک اتحادیه فولاد باشید شانس کمی دارید که مالک کارخانه‌ای شوید که در آن کار می‌کنید اما این نیز درست است که اگر شما شروع به کار کردن به روش خاص

^۱ این فقط یک مثال است و برای توضیح مقصود اصلی نویسنده به کار رفته است.
^۲ خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که این کتاب حدود صد سال پیش نوشته شده است.

^۳ J.J Hill

کنید به زودی می‌توانید کار در اتحادیه فولاد را رها کنید و یک قطعه زمین ده تا چهل جریبی بخرید و به عنوان تولید کننده مواد غذایی شروع به کار کنید. در زمان فعلی فرصت‌های زیادی برای کسانی وجود دارد و به طور مشابه به کار کشاورزی مشغول می‌شوند. چنین افرادی حتماً ثروتمند می‌شوند. ممکن است بگویید که برای شما غیرممکن است که صاحب یک زمین شوید اما من می‌خواهم به شما ثابت کنم که این امر غیر ممکن نیست و شما حتماً می‌توانید صاحب یک زمین شوید اگر شروع به کار کردن به روش خاص کنید.

در دوره‌های مختلف جریان فرصت‌ها با توجه به نیاز کل افراد و مراحل خاص تغییر و تحولات اجتماعی در جهت‌های مختلفی سیر می‌کند. در حال حاضر در آمریکا این جریان به سمت کشاورزی و سایر صنایع و حرفه‌های مرتبط با آن پیش می‌رود. امروزه فرصت در اختیار کسانی است که در کارخانه خاصی کار می‌کنند. همچنین فرصت بیشتر در اختیار کسانی است که به تولید و عرضه محصولات کشاورزی می‌پردازند تا کسانی که کارهای کارخانه‌ای انجام می‌دهند. و نیز فرصت در اختیار افراد حرفه‌ای است که به کشاورزی می‌پردازند تا کسانی که جزء طبقه کارگر هستند.^۴

فرصت‌های زیادی برای کسانی وجود دارد که در جریان این فرصت‌ها حرکت می‌کنند نه برای کسانی که می‌خواهند در خلاف جهت آن شنا کنند.

بنابراین کارگران کارخانه‌ها چه به عنوان یک فرد و چه به عنوان یک طبقه از فرصت‌ها محروم نیستند. کارگران به وسیله کارفرمایان خود از به دست آوردن فرصت‌ها محروم نمی‌شوند. آنها به وسیله فولاد و ترکیب-های سرمایه محدود نشده‌اند. به عنوان یک طبقه، آنها در همان جایی هستند که بوده‌اند زیرا آنها کارها را به روش خاص انجام نمی‌دهند. اگر کارگران آمریکا به این روش عمل کنند، می‌توانند مانند بقیه برادران خود در بلژیک و سایر کشورها فروشگاه‌های بزرگ و صنایع تعاونی ایجاد کنند؛ قوانینی را در مورد نحوه توسعه این شرکت‌های تعاونی به وجود بیاورند و در عرض چند سال مالکیت صنایع را بدست بیاورند.

زمانی که افراد شروع به انجام کارها به روش خاص نمایند طبقه کارگری می‌تواند تبدیل به طبقه کارفرمایان شود. قانون ثروت برای این افراد مشابه قانونی است که در مورد بقیه افراد وجود دارد. و این قانونی است که باید بدانند. این افراد تا زمانی که به روش گذشته خود عمل کنند در همان سطحی که هستند باقی می‌-

^۴- همان طور که قبلاً گفته شد این کتاب حدود صد سال پیش نوشته شده است و به همین دلیل مثال‌های ذکر شده در این کتاب مربوط به آن دوره است و در حال حاضر صادق نیست. اما به کلیت بحث نویسنده خللی وارد نمی‌شود.

مانند. با این حال یک کارگر نوعی به دلیل نادانی و سستی طبقه خود عقب نگه داشته نمی‌شود. او می‌تواند از جریان فرصت‌ها در جهت ثروتمندشدن استفاده کند و این کتاب چگونگی آن را به می‌آموزد.

هیچ کس به دلیل کمبود در عرضه ثروت در فقر باقی نمانده است. برای همه بیش از حد کافی وجود دارد. تنها با استفاده از مصالح ساختمانی موجود در ایالات متحده، امکان ساختن یک قصر به اندازه عمارت کنگره در شهر واشنگتن برای هر خانوار وجود دارد. و تحت کشاورزی فشرده، این کشور می‌تواند پشم، کتان و ابریشم لازم برای لباس هر فردی در دنیا را همراه با غذای کافی برای تغذیه آنان، تولید کند بهتر از آن چیزی که سلیمان در دوره پادشاهی‌اش به آن رسید.

عرضه قابل مشاهده عملاً محدود است در حالی که عرضه غیرقابل مشاهده واقعاً نامحدود است.

آنچه در روی زمین می‌بینید از یک ماده اولیه ساخته شده است که خارج از فرایند همه اشیاء وجود دارد. همواره اشکال جدیدی ساخته می‌شوند و اشکال قدیمی‌تر از بین می‌روند. ولی همه این اشکال برگرفته شده از یک چیز هستند.

هیچ گونه محدودیتی در زمینه عرضه ماده بدون فرم یا همان ماده اولیه وجود ندارد. جهان در خارج آن ساخته شده است ولی این ماده در ساخته شدن جهان به طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته است. فضاهای داخل، میان و بین اشکال قابل مشاهده در جهان به وسیله ماده اولیه (ماده بدون فرم) یا همان ماده خام همه اشیاء، پر شده است. حتی اگر به اندازه ده هزار برابر آنچه تا به حال ساخته شده، شاخه شود، عرضه ماده خام جهانی تمام نخواهد شد.

بنابراین هیچ فردی به دلیل فقر طبیعت یا به دلیل اینکه چیزهای کافی برای او وجود ندارد، فقیر نخواهد بود.

طبیعت یک انبار سرپوشیده از ثروت‌هاست و عرضه آن هیچ وقت کاستی نمی‌پذیرد. ماده اولیه به واسطه انرژی آفریننده (زاینده) زنده است و به طور مستمر اشکال بیشتری را به وجود می‌آورد. زمانی که عرضه مصالح ساختمانی محدود می‌شود، میزان بیشتری تولید خواهد شد. زمانی که خاک حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد طوری که مواد اولیه لازم برای غذا و لباس در آن نمی‌روید، دوباره حاصلخیزی خود را بدست می‌آورد و نیز خاک بیشتری تولید خواهد شد. زمانی که همه طلا و نقره‌ها از زمین استخراج می‌شوند، اگر بشر هنوز در

مرحله‌ای از توسعه اجتماعی باشد که به طلا و نقره نیاز داشته باشد، از ماده اولیه طلا و نقره بیشتری تولید خواهد شد. ماده بدون فرم به نیازهای بشر پاسخ می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که بشر با کمبود روبرو شود.

این موضوع در مورد تمامی افراد بشر به صورت کلی درست است. نژاد بشر به عنوان یک کل همیشه دارای ثروت فراوان است و اگر افرادی از بشر فقیرند به این دلیل است که از روش خاص انجام دادن کارها که افراد را ثروتمند می‌سازد، تبعیت نمی‌کنند.

ماده بدون فرم، ماده‌ای هوشمند است و ماده‌ای است که فکر می‌کند. این ماده زنده است و همیشه علاقه‌مند به زندگی بیشتر است.

طبیعت و ذات زندگی در این است که در جستجوی زندگی بیشتر باشد و طبیعت هوش این است که به دنبال توسعه خود باشد. همچنین طبیعت هوشیاری، جستجو برای توسعه مرزها و شکوفایی بیشتر است. جهان دارای فرم از ماده زنده بدون فرم ساخته شده است. ماده بدون فرم از طریق فرم دادن به جهان به دنبال شکوفا کرده هر چه بیشتر خود است.

جهان هستی که یک تجلی بزرگ از حیات است همیشه به دنبال حیات بیشتر و کارکردهای کامل‌تر است. طبیعت از پیشرفت حیات ساخته شده است و بزرگترین انگیزه آن ترقی حیات و زندگی است. به همین دلیل هر چیزی که بتواند به زندگی کمک کند در حد زیادی تولید شده است. هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد مگر اینکه خداوند خودش را انکار کند و کار خودش را انجام ندهد.

شما به وسیله کمبود عرضه ثروت در فقر نمانده‌اید. حقیقتی وجود دارد که من باید در مورد آن بیشتر توضیح بدهم و آن این است که منابع عرضه بدون فرم تحت فرمان مرد یا زنی هستند که به روشی خاص تفکر و عمل کند.

اولین اصل در علم ثروتمند شدن

تفکر یا اندیشه تنها قدرتی است که می‌تواند ثروت قابل ملاحظه‌ای را از ماده بدون فرم ایجاد کند. ماده خامی که همه چیز از آن ساخته شده است، ماده‌ای است که فکر می‌کند و اندیشه در مورد یک فرم (شکل) در این ماده آن فرم را ایجاد می‌کند.

ماده بدون فرم بر طبق اندیشه‌هایش حرکت می‌کند. هر فرم و فرآیندی که شما در طبیعت می‌بینید، تجلی آشکار یک اندیشه در ماده بدون فرم است. زمانی که ماده اولیه بدون فرم روی یک فرم فکر می‌کند، آن فرم را به خود می‌گیرد؛ هنگامی که در مورد یک حرکت فکر می‌کند، آن حرکت را به وجود می‌آورد. این راهی است که همه اشیاء خلق می‌شوند. ما در دنیایی از اندیشه‌ها زندگی می‌کنیم که بخشی از جهان اندیشه‌هاست. اندیشه یک جهان متحرک در ماده اولیه توسعه پیدا کرد و این ماده بر طبق آن اندیشه عمل کرد و فرم سیارات جهان را به خود گرفت و این فرم را نگه داشت. ماده اولیه، فرم اندیشه‌هایش را به خود می‌گیرد و بر طبق اندیشه رفتار می‌کند؛ ماده اولیه با نگره‌داری اندیشه سیستم دایره‌ای خورشیدها و جهان، فرم این جهان را به خود گرفت و آنها را طوری که خودش فکر می‌کرد به حرکت درآورد؛ با اندیشه در مورد یک درخت بلوط که رشد کندی دارد، آن درخت را تولید کرد. برای انجام این کار قرن‌ها لازم است. در فرایند آفرینش ماده بدون فرم بر طبق جهت‌هایی که ایجاد کرده است، رفتار می‌کند؛ اندیشه یک درخت بلوط باعث تشکیل آنی یک درخت بلوط رشد کرده نمی‌شود اما باعث شروع حرکت در نیروهایی می‌شود که آن درخت را تولید می‌کنند.

هر نوع فکر در مورد یک فرم در صورتی که در ماده اولیه باقی بماند، باعث تشکیل آن فرم می‌شود. اما همیشه یا غلب اوقات این کار در طول مسیر رشد و فعالیت‌هایی که به تازگی تشکیل شده‌اند اتفاق می‌افتد. تفکر در مورد یک خانه، وقتی که روی ماده بدون فرم تأثیر می‌گذارد، ممکن است باعث تشکیل فوری آن خانه نشود ولی باعث تغییر جهت نیروهای فعال در تجارت و کسب و کار به سمت کانال‌هایی می‌شود که باعث می‌شود آن خانه به زودی ساخته شود. و اگر کانال‌هایی برای فعالیت نیروهای آفریننده وجود نداشته باشد، خانه مستقیماً از ماده اولیه ساخته می‌شود بدون اینکه منتظر فرایند کند جهان زنده و غیرزنده بماند. هیچ گونه اندیشه‌ای در مورد یک فرم نمی‌تواند بدون خلق آن فرم، روی ماده اولیه تأثیر بگذارد.

انسان یک کانون تفکر است و می‌تواند فکر کند. برای آنکه یک فرد بتواند یک شیء را با دست‌هایش شکل دهد، باید ابتدا آن را در فکرش ایجاد کند. انسان نمی‌تواند بدون آنکه تصویری در مورد یک چیز داشته باشد آن چیز را به وجود آورد.

تا به حال بشر تمامی تلاشش را محدود به کارهای یدی کرده است و نیروی یدی‌اش را در جهان فرم‌ها برای تغییر و تعدیل آنچه وجود دارد به کار گرفته است و هرگز در این زمینه فکر نکرده است که از طریق اندیشه‌هایش بر ماده اولیه تأثیر بگذارد و باعث خلق فرم‌های جدید شود.

زمانی که انسان در مورد یک فرم فکر می‌کند، مواد اولیه آن فرم را از طبیعت می‌گیرد و فرمی را که در ذهن دارد، تجسم می‌کند. انسان تا به حال در مورد همکاری و مشارکت با هوش بدون فرم و همچنین کارکردن با خدا، تلاشی نکرده و یا حداقل تلاش خیلی کمی کرده است. او هرگز این رؤیا را که می‌تواند کارهای خدا را انجام بدهد، نداشته است و فقط با نیروی یدی خود به تغییر شکل و تعدیل فرم‌های موجود پرداخته است. او هرگز به این سؤال فکر نکرده است که می‌تواند از طریق تفکر و تاثیر بر ماده اولیه بدون فرم، چیزی را ایجاد کند. هدف ما از یک طرف اثبات این مطلب است که هر انسان و هر مرد و زنی می‌تواند این کار را انجام دهد و از طرف دیگر می‌خواهیم نشان دهیم که چگونه باید این کار انجام شود. به عنوان اولین مرحله باید سه قضیه اساسی را بیان کنیم:

اول: ما بیان کردیم که یک ماده اولیه بدون فرم وجود دارد که همه چیز از آن ساخته می‌شود. اگر چه به نظر عناصر فراوانی وجود دارد اما همه این عناصر ناشی از تجلی‌های مختلف یک عنصرند. تمامی اشکال موجود در طبیعت جاندار و بی‌جان با فرم‌های مختلف خود، از یک ماده اولیه مشابه ساخته شده‌اند. و این ماده یک ماده دارای فکر است و هر فکری که در آن ایجاد شود، فرم آن فکر را خلق می‌کند. فکر یا اندیشه، در ماده دارای فکر باعث ایجاد اشکال می‌شود. انسان یک منبع تفکر و قادر به تفکر اصیل است. اگر انسان بتواند با اندیشه‌هایش بر ماده اولیه بدون فرم تأثیر بگذارد، قادر به خلق چیزی می‌شود که در مورد آن فکر می‌کند. به طور خلاصه:

یک ماده اولیه وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن فکر تجسم شده است، به وجود می‌آورد. انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

ممکن است این سؤال پرسیده شود که آیا من می‌توانم این عبارت را اثبات کنم. بدون صحبت از جزئیات، پاسخ می‌دهم که بله من می‌توانم آنها را اثبات کنم هم از لحاظ منطقی و هم تجربی. من با استدلال پیشینی، از پدیده شکل و اندیشه، به یک ماده اولیه دارای فکر و با استدلال پسینی، از این ماده دارای فکر به قدرت انسان در مورد ایجاد اشیایی که به آنها فکر می‌کند، رسیدم.

از لحاظ تجربی نیز درستی این شیوه استدلال را درک کردم. و این بزرگ‌ترین اثبات است.

اگر یک فردی که این کتاب را می‌خواند با انجام آنچه در این کتاب گفته شده است، ثروتمند شود، مدرکی برای پشتیبانی از ادعای من فراهم می‌شود. اما اگر هر فردی که به گفته‌های این کتاب عمل می‌کند، ثروتمند شود، دلیل محکمی برای اثبات این مدعا فراهم می‌شود تا زمانی که یک فرد این فرآیند را به کار گرفته و شکست بخورد. این تئوری تا زمانی که این فرآیند با شکست مواجه شود، درست است. و این فرآیند هیچ‌گاه برای هر انسانی که آنچه را این کتاب در مورد ثروتمند شدن به او می‌گوید، به صورت دقیق انجام می‌دهد، به شکست نمی‌انجامد.

من قبلاً گفتم که انسان‌ها با انجام کارها به روش خاص، ثروتمند می‌شوند. به منظور انجام کارها به روش خاص، انسان باید قادر به فکر کردن به روش خاص باشد.

روش یک انسان در مورد انجام کارها نتیجه مستقیم نحوه فکر کردن او در مورد آن کارهاست.

برای انجام کارها به روشی که می‌خواهید، مجبور به کسب توانایی فکر کردن به روشی هستید که دوست دارید آنطور فکر کنید. این اولین مرحله ثروتمند شدن است.

فکر کردن به آنچه که می‌خواهید به معنی فکر کردن با ایمان کامل و برخلاف ظواهر است.

هر انسانی دارای توانایی طبیعی و ذاتی برای فکر کردن به چیزهایی است که می‌خواهد. ولی این نوع از تفکر در مقایسه با تفکر در مورد آنچه به وسیله ظواهر به انسان القا می‌شود، به تلاش و توانایی بیشتری نیازمند است. تفکر بر مبنای ظواهر آسان است. تفکر صادقانه و برخلاف ظواهر کار دشواری است و نسبت به تمامی کارهای دیگر انسان، توانایی بیشتری را طلب می‌کند.

هیچ کاری سخت‌تر از تفکر طولانی و مستمر نیست. تفکر مشکل‌ترین کار در دنیاست. این مطلب مخصوصاً زمانی صادق است که حقیقت برخلاف واقعیت‌ها و ظواهر است. هر واقعیتی که در دنیای قابل مشاهده وجود دارد، فرم مرتبط با خود را در ذهن کسی که آن را مشاهده می‌کند، ایجاد می‌کند. و تنها با تفکر در مورد حقیقت می‌توان از این کار جلوگیری کرد.

توجه به بروز بیماری، باعث ایجاد شکل بیماری در ذهن و در نهایت در بدن شما می‌شود. مگر اینکه شما این حقیقت را در ذهن خود ایجاد کنید که بیماری‌ای وجود ندارد و تنها واقعیت موجود، سلامتی است.

فکر کردن به سلامتی زمانی که در ظاهر شما را بیماری فرا گرفته است، و نیز فکر کردن در مورد ثروت، زمانی که در میانه بروز فقر هستید، به قدرت نیاز دارد. اما کسی که این قدرت را بدست آورد، صاحب یک ذهن ماهر می‌شود و می‌تواند بر سرنوشت چیره شود و آنچه را که می‌خواهد بدست آورد.

این قدرت زمانی بدست می‌آید که واقعیت پایه‌ای که در پشت همه ظواهر وجود دارد، به خاطر سپرده شود و آن حقیقت این است که یک ماده دارای فکر وجود دارد که همه چیزها از آن ساخته می‌شود.

بعد از آن باید به این حقیقت برسیم که هر اندیشه‌ای که بر روی این ماده واقع شود، تبدیل به یک شکل می‌شود و انسان می‌تواند با افکارش طوری بر این ماده تأثیر بگذارد که این افکار شکل بگیرند و به اشیای قابل مشاهده تبدیل شوند.

زمانی که این حقیقت را درک می‌کنیم، تمامی تردید و ترس خود را رها می‌کنیم زیرا می‌دانیم که آنچه را می‌خواهیم، می‌توانیم خلق کنیم. به عنوان اولین گام برای ثروتمند شدن، باید به سه اصل اساسی‌ای که پیش‌تر در این فصل گفته شد اعتقاد داشته باشید. به منظور تأکید بیشتر دوباره آنها را تکرار می‌کنم:

یک ماده اولیه وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن فکر تجسم شده است، به وجود می‌آورد.

انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

شما باید سایر مفاهیم موجود در جهان غیر از این مفهوم یگانه را کنار بگذارید و آنقدر روی این مفهوم تمرکز کنید که در ذهنتان تثبیت شده و تبدیل به عادت فکری شما شود. این عبارات را بارها و بارها بخوانید و هر کلمه آن را در ذهن خود تثبیت کنید و روی آنها تمرکز کنید تا زمانی که کاملاً به آنچه می‌گویید معتقد شوید. اگر دچار تردید شدید، مانند یک گناه آن را از خود دور کنید؛ به گفته‌هایی که برخلاف این عقیده است گوش ندهید؛ به کلیساها و سخنرانی‌هایی که مفاهیم مخالف ارائه می‌شود، نروید؛ کتاب‌ها و مجلاتی را که ایده‌های متفاوتی را آموزش می‌دهند نخوانید؛ اگر در ایمان خود دچار تردید شوید، تمام تلاش شما بیهوده خواهد بود.

نپرسید که چرا این مطالب درست است. در مورد علت درستی این مطالب فکر نکنید و خیلی ساده به عنوان یک حقیقت به آنها بنگرید.
علم ثروتمند شدن با پذیرش مطلق این حقیقت شروع می‌شود.

بهبود هر چه بیشتر در زندگی

ممکن است شما متمایل به این عقیده قدیمی باشید که خدایی وجود دارد که می‌خواهد شما فقیر باشید یا اینکه هدف او نگه داشتن شما در فقر است.

ماده دارای فکر که همه چیز و در همه چیز است و در شما زندگی می‌کند، یک ماده آگاه دارای حیات است و برای اینکه یک ماده آگاه دارای حیات باقی بماند، باید دارای علاقه طبیعی و ذاتی به زندگی آگاهانه برای ترقی و بهبود زندگی باشد. هر موجود زنده‌ای باید به طور مستمر در جستجوی توسعه زندگی باشد. زیرا زندگی به صرف فعالیت برای زندگی کردن، باید خودش را توسعه دهد.

یک دانه وقتی در زمین کاشته می‌شود، شروع به فعالیت کرده و در جریان فعالیت زندگی بیش از هزاران دانه تولید می‌کند. زندگی با زنده بودن خودش را چند برابر می‌کند و پیوسته در حال رشد است و باید همین طور نیز باشد.

هوش و تفکر نیز نیاز مشابهی به رشد مستمر دارد. فکر کردن در مورد هر ایده‌ای ضرورت فکر کردن به ایده‌های دیگر را به وجود می‌آورد. تفکر و اندیشه به طور مستمر در حال رشد است. یادگیری هر حقیقتی ما را به سمت یادگیری حقیقتی دیگر رهنمون می‌سازد. دانش به طور پیوسته در حال افزایش است. شکوفایی هر یک از استعدادها، علاقه به شکوفایی استعدادهای دیگر را در ذهن به وجود می‌آورد. ما هدف علائق شکوفا نشده زندگی هستیم و این علائق برای شکوفایی خود ما را وادار به بیشتر دانستن، بیشتر انجام دادن و بیشتر شدن می‌کنند.

برای بیشتر دانستن، بیشتر کارکردن و بیشتر شدن باید بیشتر داشته باشیم. برای دانستن، کار کردن و شدن، احتیاج به ابزار داریم. باید ثروتمند شویم تا بتوانیم بیشتر زندگی کنیم.

علاقه به ثروتمند شدن به طور ساده به معنی جستجوی زندگی کامل‌تر است. هر علاقه به معنی تلاش یکی از استعدادهای شکوفا نشده برای بروز یافتن است. هر قدرتی که بدنبال بروز خود باشد علاقه را به وجود

می‌آورد. آن چیزی که شما را علاقه مند به داشتن پول بیشتر می‌کند، همان چیزی است که باعث رشد یک گیاه می‌شود. یعنی همان زندگی، که به دنبال شکوفا کردن خود است.

هر موجود زنده‌ای باید تابع این قانون ذاتی زندگی باشد. هر موجود زنده‌ای علاقه مند به زندگی بیشتر است.

ماده زندگی به دنبال زندگی بیشتر در درون شماست به همین دلیل از شما می‌خواهد که تمامی چیزهایی را که برای این منظور لازم است، داشته باشید.

خواست خدا بر این قرار گرفته است که شما ثروتمند شوید. خدا از شما می‌خواهد که ثروتمند شوید زیرا وقتی که ثروتمند هستید خداوند بهتر می‌تواند از طریق شما خود را آشکار سازد و در صورتی که ابزار مورد نیاز زندگی به صورت نامحدود در اختیار شما باشد، خداوند می‌تواند بیشتر در شما زندگی کند.

خواست جهان از شما این است که آنچه را که می‌خواهید، داشته باشید.

طبیعت نیز هماهنگ با طرح‌های شماست.

همه چیز به طور طبیعی متعلق به شماست.

به ذهن خود القا کنید که این مطلب درست است.

با این وجود، ضروری است که هدف شما باید با هدفی که در زندگی به صورت کلی وجود دارد، هماهنگ باشد.

شما باید به دنبال زندگی واقعی باشید و نه فقط به دنبال رضایت و مطلوبیت بیشتر. و زمانی انسان قادر به زندگی واقعی است که بتواند تمامی کارکردهای فیزیکی، ذهنی و روحی‌ای را که قادر به انجام آنهاست، به نحو مطلوب انجام دهد.

شما به این خاطر ثروتمند نمی‌شوید که یک زندگی حیوانی داشته باشید و خواسته‌های حیوانی خود را ارضا کنید. این زندگی نیست ولی انجام هر یک از کارکردهای فیزیکی بخشی از زندگی است. انسانی که سیگنال‌های بدنی خود در مورد شکوفایی سالم را نادیده می‌گیرد، زندگی کاملی نخواهد داشت.

شما به این خاطر ثروتمند نمی‌شوید که فقط از لذت‌های فکری بهره‌مند شوید؛ دانشمند شوید؛ تا از دیگران سبقت بگیرید و مشهور شوید. همه اینها بخشی قانونی از زندگی است اما فردی که فقط برای علایق فکری خود زندگی می‌کند، یک زندگی کامل نخواهد داشت.

شما فقط به خاطر رفاه حال دیگران، قربانی کردن خود برای رستگاری دیگران و به منظور تجربه احساس بخشش و گذشت، ثروتمند نمی‌شوید. احساسات روحی تنها بخشی از زندگی است و از سایر بخش‌های زندگی مهم‌تر و ارزشمندتر نیست.

شما به این منظور ثروتمند می‌شوید که: بخورید، بیاشامید و در زمان انجام این کارها خوشحال باشید، پیرامون خود را با اشیا و اجناس زیبا پر کنید، سرزمین‌های دور را ببینید، ذهن خود را تغذیه کنید، دانش خود را توسعه دهید، انسان‌ها را دوست داشته باشید و به آنها مهر بورزید و قادر به این باشید که نقش مهمی را در درک حقیقت جهان بر عهده بگیرید.

اما به یاد داشته باشید که دیگرخواهی مطلق از خودخواهی مطلق بهتر و ارزشمندتر نیست. هر دوی اینها اشتباه است.

از این ایده که خداوند از شما می‌خواهد که خود را برای دیگران قربانی کنید و نیز از این طرز فکر که بدین روش می‌توانید او را راضی کنید، دوری نمایید. خدا چیزی از این نوع از شما نمی‌خواهد. آنچه خدا از شما می‌خواهد این است که بیشترین استفاده را از زندگی خود، به نفع خود و دیگران ببرید. *با استفاده بهینه از زندگی خود، بهتر از هر روش دیگری می‌توانید به دیگران کمک کنید.*

زمانی می‌توانید بیشترین استفاده را از زندگی خود ببرید که ثروتمند شوید. بنابراین این مطلب کاملاً درست است که باید توجه خود را روی کسب ثروت متمرکز کنید.

با این وجود به یاد داشته باشید که ماده بدون فکر به همه علاقمند است و حرکت آن باید در جهت زندگی بیشتر برای همه باشد. امکان ندارد که این ماده برای زندگی کمتر در مورد یک فرد خاص فعالیت کند زیرا این ماده به صورت مساوی در همه وجود دارد و به دنبال زندگی و ثروت است. ماده دارای فکر ابزار مورد نیاز شما را فراهم می‌کند ولی طوری نیست که این ابزار را از دیگران بگیرد و به شما بدهد.

شما باید از تفکر رقابت دوری کنید. شما باید به دنبال خلق کردن باشید نه به دنبال رقابت برای چیزی که خلق شده است.

شما نباید دیگران را از چیزی محروم کنید.

شما نباید وارد معاملات خطرناک شوید.

شما نباید از راه تقلب نفع ببرید. همچنین نیاز ندارید که افراد را وادار کنید که با درآمدی کمتر از حد واقعی برای شما کار کنند.

شما نباید دارایی دیگران را قبضه کنید یا در دارایی آنها طمع کنید. هیچ انسانی چیزی را ندارد که شما نتوانید نظیر آن را داشته باشید بدون نیاز به اینکه آن انسان را از آن چیز محروم کنید.

شما باید تبدیل به یک خالق شوید نه یک رقیب. شما آنچه را می‌خواهید به دست می‌آورید ولی به روشی که وقتی آن چیز را بدست آوردید، هر فرد دیگری نسبت به قبل، از آن چیز بیشتر داشته باشد.

من کاملاً به این موضوع واقفم که افراد زیادی وجود دارند که مقادیر زیادی پول را از روشی بدست می‌آورند که مخالف روشی است که در عبارات بالا توضیح داده شد. برخی از افراد متعلق به طبقه اشراف با استفاده از قدرت خارق‌العاده‌ای که در زمینه رقابت دارند، به ثروت بالایی دست یافته‌اند. در برخی موارد نیز به صورت ناخودآگاه خودشان را با ماده اولیه و هدف بزرگ آن در زمینه بهبود وضعیت بشر از طریق انقلاب صنعتی، مرتبط ساخته‌اند. راکفلر، کارنگی، مورگان و ... از مهم‌ترین بنگاه‌های تولیدی در این زمینه هستند. در نهایت کار این بنگاه‌ها منجر به بهبود در زندگی همه می‌شود. این روز خیلی نزدیک است. آنها تولید را سازماندهی کرده‌اند و به زودی با استفاده از سازماندهی ماشین‌آلات توزیع به موفقیت خواهند رسید.

افراد میلیونر شبیه هیولاهای خزنده عصر ماقبل تاریخ هستند. آنها نقشی اساسی را در فرآیند انقلاب بازی می‌کنند. اما همان قدرتی که آنها را به وجود آورده است، مانع آنها خواهد شد. خوب است به یاد داشته باشید که آنها هرگز ثروتمند واقعی نبوده‌اند. بررسی زندگی خصوصی این طبقه نشان می‌دهد که آنها واقعاً بدبخت و ذلیل بوده‌اند.

ثروت‌هایی که به وسیله رقابت محافظت می‌شوند، هیچ وقت راضی‌کننده و دائمی نیستند. این ثروت‌ها امروز متعلق به شما و فردا متعلق به دیگرانند. اگر می‌خواهید به روشی علمی و مطمئن ثروتمند شوید به یاد داشته باشید که باید خودتان را کاملاً از اندیشه رقابت دور کنید. هرگز نباید به فکر لحظه‌ای باشید که در آن عرضه محدود می‌شود. هر زمانی که در این فکر باشید که تمامی پول‌ها در اختیار بانکدارها و سایر افراد قرار دارد و به وسیله آنها کنترل می‌شود و شما باید قوانینی را که برای توقیف این فرایند لازم است یاد بگیرید، وارد فاز اندیشه رقابتی می‌شوید و قدرت خلاقیت شما از بین می‌رود. در این حالت اشتباهی که به وجود می‌آید این است که شما احتمالاً نیروهای خلاق را که به تازگی ایجاد کرده‌اید، زندانی می‌کنید.

توجه داشته باشید که هنوز میلیون‌ها دلار طلا در کوه‌های روی زمین وجود دارد که استخراج نشده است. و همچنین بدانید که حتی اگر چنین چیزی وجود نداشته باشد، مقدار بیشتری به وسیله ماده دارای فکر خلق خواهد شما تا نیازهای شما را برآورده سازد.

توجه داشته باشید که پولی که شما نیاز دارید حتماً به سوی شما خواهد آمد حتی اگر لازم باشد که برای این منظور هزارها نفر همین فردا وادار به جستجوی کشف معادن طلای جدید شوند.

هیچ وقت به موجودی قابل مشاهده توجه نکنید و همیشه متوجه ثروت‌های نامحدود موجود در ماده بدون فرم باشید و بدانید که این ثروت‌ها با سرعتی که شما بتوانید آنها را دریافت و استفاده کنید، به سوی شما می‌آیند. هیچ کس با در اختیار گرفتن موجودی قابل مشاهده نمی‌تواند مانع دسترسی شما به چیزی شود که متعلق به شماست.

بنابراین هیچ وقت حتی برای یک لحظه اینطور فکر نکنید که بهترین مکان‌های ساختمان سازی قبل از اینکه شما بخواهید خانه خود را بسازید توسط دیگران گرفته خواهد شد مگر اینکه عجله کنید. هیچ وقت نگران این نباشید که تراست‌ها و اتحادیه‌ها به زودی همه زمین را در اختیار خود خواهند گرفت. هیچ وقت نگران این نباشید که ممکن آنچه را می‌خواهید از دست بدهید چون دیگران شما را از رسیدن به آن باز می‌دارند. این کارها اتفاق نخواهد افتاد. شما در جستجوی چیزی که دیگران مالک آن هستند نیستید. شما آنچه را که می‌خواهید از ماده بدون فرم خلق می‌کنید و عرضه این ماده نامحدود است. با توجه به عبارات زیر:

یک ماده اولیه دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن فکر تجسم شده است، به وجود می‌آورد. انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

° ادغام چند شرکت در همدیگر و توافق آنها با یکدیگر به منظور قبضه بازار و کسب سود بیشتر (مترجم)

ثروت چگونه به سوی شما می‌آید؟

زمانی که من گفتم شما نباید وارد معاملات خطرناک شوید منظورم این نبود که نباید هیچ گونه معامله‌ای داشته باشید و نیز منظورم این نبود که از هر گونه ارتباطی با سایر انسان‌ها بی‌نیاز هستید. منظورم این بود که نیازی نیست با آنها ارتباطات غیرمنصفانه‌ای داشته باشید. شما نباید چیزی را در قبال هیچ چیز بدست بیاورید ولی می‌توانید به هر انسانی بیش از آن چیزی که از او می‌گیرید نفع برسانید.

شما نمی‌توانید از نظر پولی یا بازاری به هیچ انسانی بیش از آن چیزی بدهید که از او می‌گیرید ولی می‌توانید در قبال پولی که از دیگران دریافت می‌کنید ارزش استفاده بیشتری به آنها بدهید. ممکن است کاغذ، جوهر و سایر موادی که در تهیه این کتاب به کار رفته است ارزش پولی را که شما برای آن داده‌اید نداشته باشد ولی اگر ایده‌هایی که در آن ارائه شده است هزارها دلار را برای شما به ارمغان بیاورد، افرادی که این کتاب را به شما فروخته‌اند کار غیرمنصفانه‌ای را در حق شما انجام نداده‌اند. آنها در قبال دریافت پولی اندک، ارزش استفاده زیادی را نصیب شما کرده‌اند.

فرض کنید که من مالک یک تابلوی نقاشی هستم که به وسیله یکی از هنرمندان بزرگ خلق شده است و در اجتماعات متمدن هزارها دلار ارزش دارد و آن را به منطقه بافین ری⁶ می‌برم و به کمک بازاریابی یک اسکیمو را راضی می‌کنم که برای خرید آن یک دسته پوست خز به ارزش ۵۰۰ دلار به من بدهد. در این حالت من کار غیرمنصفانه‌ای را در مورد او انجام داده‌ام. زیرا او نمی‌تواند از این تابلو استفاده کند و این تابلو برای او هیچ استفاده‌ای ندارد و چیزی را به زندگی‌اش اضافه نمی‌کند.

حال فرض کنید که من در قبال پوست خزهایش یک اسلحه به ارزش ۵۰ دلار به او می‌دهم. در این صورت او معامله خوبی کرده است زیرا می‌تواند از اسلحه استفاده کند و این اسلحه می‌تواند غذا و پوست خز بیشتری را برای او به ارمغان آورد. این اسلحه می‌تواند چیزی را به زندگی او اضافه کند. این اسلحه می‌تواند او را ثروتمند کند.

زمانی که شما از میدان رقابت به آفرینش و خلاقیت روی می‌آورید، می‌توانید تمامی معاملات تجاری خود را با دقت مورد بررسی قرار دهید. در این صورت اگر چیزی را به کسی می‌فروشید که در قبال آنچه از او دریافت می‌کنید، چیزی را به زندگی او اضافه نمی‌کند، می‌توانید سعی کنید که این کار را متوقف کنید. شما

⁶ Baffin Ray

نباید در معاملات به دیگران ضرر برسانید. اگر در حرفه‌ای هستید که به دیگران ضرر می‌رساند، آن را رها کرده و سراغ حرفه دیگری بروید.

بیش از پولی که از دیگران می‌گیرید به آنها نفع برسانید. در آن صورت شما با هر معامله تجاری چیزی را به زندگی دنیا اضافه می‌کنید.

اگر افرادی برای شما کار می‌کنند، ممکن است بیشتر از مزدی که به آنها می‌دهید از آنان نفع نقدی ببرید. اما شما می‌توانید طوری کسب و کار خود را مدیریت کنید که اصل پیشرفت بر آن حاکم شود طوری که هر کارمندی که بخواهد بر طبق آن اصل رفتار کند، هر روز کمی پیشرفت کند.

شما می‌توانید محل کسب و کار خود را به جایی تبدیل کنید که آنچه را این کتاب برای شما انجام می‌دهد، کسب و کار شما برای کارمندان انجام دهد. شما می‌توانید طوری کسب و کار خود را هدایت کنید که تبدیل به نوعی نردبان شود که هر کارمندی را که رنج کار را بر خود هموار کند، به سطح بالاتری از ثروت برساند و هر کارمندی که نخواهد این فرصت را از دست بدهد. در این صورت شما مقصر نخواهید بود.

در نهایت این نکته که شما ثروت مورد نیاز خود را از ماده بدون فرمی خلق می‌کنید که در تمامی محیط اطراف شما نفوذ دارد، بدین معنی نیست که آنچه می‌خواهید از اتمسفر شکل می‌گیرد و در جلوی چشم شما ظاهر می‌شود.

به عنوان مثال اگر به دنبال یک چرخ خیاطی هستید، من نمی‌خواهم به شما بگویم که باید فکر یک چرخ خیاطی را روی ماده دارای فکر تثبیت کنید تا زمانی که بدون هیچ کار یدی، چرخ خیاطی در اتاقی که در آن نشسته اید و یا در هر جای دیگر ظاهر شود. ولی اگر به دنبال یک چرخ خیاطی هستید، تصویر ذهنی داشتن آن چرخ خیاطی را با اطمینان در ذهن خود داشته باشید طوری که انگار ساخته شده یا در راه رسیدن به دست شماست. بعد از اینکه این اندیشه در ذهن شما شکل گرفت، مطمئن باشید که چرخ خیاطی به دست شما خواهد رسید. هیچ وقت به روشی غیر از این روش در مورد چرخ خیاطی فکر یا صحبت نکنید. طوری فکر کنید که انگار همین حالا مالک آن چرخ خیاطی هستید.

این چرخ خیاطی با استفاده از قدرت ذهن برتر که مافوق ذهن همه انسان‌هاست به سمت شما هدایت می‌شود. اگر شما در ایالت مین^۷ زندگی می‌کنید، ممکن است فردی در تگزاس یا ژاپن وجود داشته باشد که وارد معامله‌ای شود که در نهایت شما را به آنچه که می‌خواهید می‌رساند.

اگر اینطور باشد این موضوع به اندازه‌ای که به نفع دیگران است به نفع شما نیز خواهد بود.

حتی برای یک لحظه هم فراموش نکنید که ماده دارای فکر در بین همه چیز و داخل همه چیز است؛ با همه مشارکت می‌کند و می‌تواند بر همه تأثیر بگذارد. علاقه ماده دارای فکر به زندگی بهتر و کامل‌تر باعث خلق همه چرخ خیاطی‌هایی شده است که اکنون وجود دارند و همین طور می‌تواند باعث خلق میلیون‌ها مورد دیگر شود در صورتی که افراد آن را با علاقه و ایمان و با انجام کارها به روش خاص به حرکت وادارند.

شما مطمئناً می‌توانید یک چرخ خیاطی در خانه خود داشته باشید و با همین اطمینان می‌توانید هر چیز دیگر و یا چیزهای دیگری را که می‌خواهید، در اختیار داشته باشید و نیز تمام چیزهایی را که در زمینه پیشرفت زندگی خودتان و دیگران لازم دارید.

شما نباید در مورد زیاد خواستن، شک و تردید به خود راه دهید. چون به قول حضرت عیسی: « این خواست خداست که پادشاهی را به شما ارزانی دارد. »

ماده اولیه می‌خواهد تا حد امکان در شما زندگی کند و از شما می‌خواهد که تمام چیزهایی را که برای یک زندگی پربار لازم است، در اختیار داشته باشید.

اگر این واقعیت را در ناخودآگاه خودتان تثبیت کنید که علاقه شما به مالکیت ثروت، همان علاقه قادر مطلق به تجلی هر چه بیشتر است، ایمان شما در این زمینه راسخ‌تر می‌شود.

قبلاً یک بچه کوچک را دیدم که پشت یک پیانو نشسته بود و بی‌ثمر تلاش می‌کرد تا با استفاده از کلیدهای پیانو یک آهنگ بسازد. این بچه به خاطر اینکه نمی‌توانست یک آهنگ واقعی بسازد خشمگین و ناراحت بود. علت این ناراحتی را از او پرسیدم. در جواب گفت: «من می‌توانم موسیقی را در درون خود احساس کنم ولی با دست‌هایم نمی‌توانم به درستی این کار را انجام دهم.» موسیقی درون او همان علاقه شدید ماده اولیه بود که در برگیرنده همه امکانات تمام زندگی‌هاست. تمام موسیقی موجود در ماده اولیه بدنال بروز دادن خود از طریق آن بچه بود.

⁷ maine

خداوند به دنبال این است که از طریق انسان زندگی کند، فعالیت کند و لذت ببرد. او می‌گوید: «من دستانی را می‌خواهم که ساختمان‌های شگفت‌انگیز بسازد، آهنگ‌های خدایی بنوازد و نقاشی‌های باشکوه بکشد؛ پاهایی را می‌خواهم که فرمان‌های مرا اجرا کنند؛ چشمانی را که زیبایی‌های مرا ببینند؛ زبان‌هایی که حقایق بزرگ را بیان کنند و آوازهای جالب و حیرت آور بخوانند.» و غیره.

تمامی امکاناتی که در دنیا موجود است در جستجوی تجلی خود از طریق انسان می‌باشد. خداوند از کسانی که موسیقی می‌نوازند، می‌خواهد که پیانو و ابزارهای لازم برای شکوفایی استعدادایشان در بالاترین حد را در اختیار داشته باشند. از کسانی که به دنبال زیبایی هستند می‌خواهد که پیرامون خود را از زیبایی‌ها پرکنند. از کسانی که توانایی تشخیص حقایق را دارند می‌خواهد که مسافرت و مشاهده کنند. از کسانی که در فکر زیبایی ظاهر خود هستند می‌خواهد که لباس‌های زیبا بپوشند و از کسانی که به فکر غذای خوب می‌باشند می‌خواهد که با خیال راحت غذا بدست بیاورند.

خداوند همه این چیزها را به این دلیل می‌خواهد که از آنها لذت می‌برد. این خداست که می‌خواهد بازی کند، آواز بخواند، از زیبایی لذت ببرد، حقیقت را اظهار کند، لباس‌های زیبا بپوشد و غذاهای مناسب بخورد. به قول پل^۸: «این خداست که باعث می‌شود شما چیزی را بخواهید یا انجام دهید.»

علاقه‌ای که شما به ثروت دارید نامحدود و در جستجوی ابراز خود می‌باشد مانند آن چیزی که در مورد کودکی دیدید که می‌خواست پیانو بنوازد.

بنابراین نباید در زیاد خواستن شک و تردید داشته باشید.

شما باید این علاقه را در خدا متمرکز و شکوفا سازید.

پذیرفتن این مطلب برای بسیاری از انسان‌ها مشکل است. آنها بر این عقیده قدیمی اصرار می‌کنند که فقر و قربانی کردن خود موجب خشنودی خدا می‌شود. از نظر آنها فقر، جزئی ضروری در طبیعت است. به نظر آنها خداوند کارش را تمام کرده و آنچه را که می‌توانسته به وجود آورده است و اکثر مردم باید فقیر بمانند زیرا به مقدار کافی پیرامون آنها وجود ندارد. آنها آنقدر این عقیده نادرست تکرار کرده‌اند که از اینکه به دنبال ثروت باشند احساس شرم می‌کنند. آنها به دنبال این نیستند که از حد متوسط بیشتر داشته باشند. فقط بقدری می‌خواهند که احساس راحتی کنند.

⁸ Paul

اکنون برای مثال موردی را یادآوری می‌کنم که به یک دانشجو گفته شد که باید تصویر واضحی را از آنچه می‌خواهد در ذهن خود ایجاد کند طوری که این اندیشه خلاق روی ماده بدون فرم تثبیت شود. او فرد فقیری بود و در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کرد و آنچه داشت نتیجه کار روزانه‌ای بود که انجام می‌داد. او نمی‌توانست این حقیقت را باور کند که تمامی ثروت در وجود اوست. بعد از تفکر در مورد آنچه به او گفته شد، تصمیم گرفت که به دنبال یک قالیچه برای کف اتاقش و یک بخاری زغالی برای گرم کردن خانه‌اش در هوای سرد باشد. با پیروی از دستورالعمل‌های ارائه شده در این کتاب، این چیزها را در کمتر از چند ماه بدست آورد. سپس به این نتیجه رسید که خواسته‌های او به حد کافی نبوده است. او به داخل خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، رفت و برای تمام چیزهایی که برای بهبود وضعیت خانه‌اش لازم بود برنامه‌ریزی کرد. او به صورت ذهنی یک پنجره در این طرف و یک اتاق در طرف دیگر خانه‌اش اضافه کرد و این کار را همین طور ادامه داد تا زمانی که آن خانه به عنوان یک خانه ایدئال در ذهنش تکمیل شد. سپس به طرح ریزی تجهیزات خانه پرداخت. با این ذهنیت، شروع به زندگی به روش خاص کرد و به سوی آنچه می‌خواست حرکت کرد. او اکنون این خانه را بدست آورده است و بعد از تشکیل تصویر ذهنی جدید به دنبال بازسازی دوباره آن می‌باشد و با ایمانی بیشتر از همیشه به دنبال بدست آوردن چیزهای بزرگتر است. او همه این چیزها را به واسطه ایمان خود بدست آورده است و این موضوع در مورد شما و در مورد همه ما نیز صادق است.

شکرگزاری

مثالی که در بالا ارائه شد باید خواننده را به این حقیقت رسانده باشد که اولین گام در ثروتمند شدن این است که باید تصاویر ذهنی خود را به سمت ماده بدون فرم هدایت کنید. این مطلب کاملاً درست است و شما به زودی خواهید دانست که برای انجام این کار لازم است که خودتان را به روشی منسجم با ماده بدون فرم مرتبط کنید. بدست آوردن این رابطه منسجم آنقدر دارای اهمیت است که باید در اینجا مقداری در مورد آن بحث کنم و دستورالعمل‌هایی را برای شما ارائه کنم که اگر از آنها پیروی کنید می‌توانید با اطمینان ذهن خود را با خدا هماهنگ سازید. تمامی فرایندها تعدیل و تطبیق ذهنی می‌تواند در یک کلمه خلاصه شود: شکرگزاری.

شما باید معتقد باشید که: ۱- یک ماده دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ناشی می‌شود. ۲- این ماده آنچه را بخواهید برای شما فراهم می‌کند. ۳- شما می‌توانید با یک احساس شکرگذاری عمیق خودتان را با این ماده مرتبط سازید.

تمامی افرادی که زندگی خود را به روشی غیر از این روش سامان می‌دهند به دلیل فقدان شکرگذاری در فقر باقی می‌مانند. آنها با شکست در امر شکرگذاری، ارتباط خود را با خدا از دست داده‌اند.

درک این مطلب خیلی آسان است که هر چه به منبع ثروت نزدیکتر باشیم ثروت بیشتری را بدست خواهیم آورد. همچنین درک این موضوع نیز آسان است که روحی که اغلب اوقات شکرگذار است در مقایسه با روحی که هرگز به دیده شکرگذاری به خدا نمی‌نگرد، ارتباط بیشتری با خدا دارد.

هر چه در زمان دریافت چیزهای خوب، با شکرگذاری بیشتری ذهن خود را به ماده برتر وصل کنیم، چیزهای خوب بیشتری دریافت خواهیم کرد و این چیزها با سرعت بیشتری به سوی ما خواهند آمد. دلیل این موضوع خیلی ساده است. گرایش ذهنی به شکرگذاری باعث ارتباط نزدیکتر ذهن با منبع خیر و نعمت می‌شود. اگر این موضوع که شکرگذاری، ذهن شما را به سمت ارتباط و هماهنگی نزدیکتری با انرژی‌های خلاق جهان سوق می‌دهد، برای شما مطلب جدیدی است، می‌توانید آن را مورد بررسی قرار دهید. در این صورت به درستی آن پی خواهید برد. چیزهای خوبی که اکنون در اختیار شماست به واسطه پیروی شما از قوانین قطعی، بدست شما رسیده است. شکرگذاری ذهن شما را در مسیر حرکت اشیاء به سوی شما قرار می‌دهد و شما را در تماس نزدیک با اندیشه خلاق قرار می‌دهد و از افتادن شما در ذهنیت رقابت جلوگیری می‌کند.

شکرگذاری به تنهایی می‌تواند توجه شما را به کل معطوف کند و شما را از این اندیشه غلط که عرضه اشیا در جهان محدود است، دور نگه دارد. داشتن این طرز فکر غلط همه امیدهای شما را برباد خواهد داد.

این قانون شکرگذاری است و دانستن این مطلب کاملاً ضروری است که اگر در جستجوی نتایج مورد نظر خود هستید باید از این قانون پیروی کنید.

قانون شکرگذاری نمایانگر همان اصل طبیعی است که می‌گوید عمل و عکس‌العمل همیشه با هم برابر و در جهت خلاف یکدیگرند.

حق شناسی شما در ستایش شکرگذارانه از موجود برتر، نوعی آزاد کردن انرژی است. این انرژی نمی‌تواند به آنچه که شما خواسته‌اید نرسد. عکس‌العمل این انرژی حرکتی لحظه‌ای به سوی شماست.

« به خداوند نزدیک شوید در این صورت او نیز به شما نزدیک خواهد شد.» این عبارت یک حقیقت روانشناسانه است.

اگر شکرگذاری شما عمیق و مستمر باشد، عکس‌العمل آن روی ماده بدون فرم نیز قوی و مستمر خواهد بود و مسیر حرکت چیزهایی که می‌خواهید همیشه به سوی شما خواهد بود. به رفتار شکرگذارانه مسیح توجه کنید که چگونه همیشه می‌گوید: «تو را شکر می‌کنم که صدای مرا می‌شنوی.» شما بدون شکرگذاری نمی‌توانید قدرت بیشتری بدست بیاورید زیرا شکرگذاری شما را در ارتباط با قدرت نگه می‌دارد.

ارزش شکرگذاری فقط منحصر به این نیست که شما را در آینده به نعمت‌های فراوانی می‌رساند. بدون شکرگذاری نمی‌توانید از اندیشه‌های ناخوشایندی که مربوط به اشیای موجود می‌شود، در امان بمانید.

به مجرد اینکه به ذهنتان اجازه می‌دهید که در تماس با اشیای موجود قرار بگیرید، شروع به عقب نشینی می‌کنید و روی اشیای معمولی و موجود، فقر، بدبختی و چیزهای بی‌اهمیت تمرکز می‌کنید. در نتیجه ذهنتان نیز حالت این اشیاء را به خود می‌گیرد. سپس این اشکال و تصاویر ذهنی را به ماده بدون فرم منتقل می‌کنید و فقر، بدبختی، ناپاکی و چیزهای بی‌اهمیت به سوی شما می‌آید.

اگر ذهنتان را در معرض چیزهای بی‌اهمیت و پست قرار دهید، چیزهای بی‌اهمیت و پست پیرامون شما را فرا خواهند گرفت.

از طرف دیگر با تمرکز بر روی بهترین‌ها، بهترین چیزها به سوی شما خواهد آمد و تبدیل به بهترین‌ها خواهد شد.

قدرت خلاقیتی که در درون ما نهفته است چیزهایی را که بر روی آنها تمرکز می‌کنیم برای ما به وجود می‌آورد.

ما موجودات متفکری هستیم و هر ماده دارای فکری همیشه فرم چیزی را که به آن فکر می‌کند به خود می‌گیرد.

یک ذهن شکرگذار به طور مستمر روی بهترین‌ها تمرکز می‌کند بنابراین گرایش به بهتر شدن دارد، فرم بهترین‌ها را به خود می‌گیرد و بهترین‌ها را دریافت می‌کند.

ایمان زاییده شکرگذاری است. یک ذهن شکرگذار به طور مستمر در انتظار اتفاقات خوب است و این انتظار تبدیل به ایمان می‌شود. اثری که شکرگذاری روی ذهن یک فرد می‌گذارد، تولید ایمان است و هر صدایی

که به قصد شکرگذاری بلند شود باعث افزایش ایمان می‌شود. کسی که هیچ گونه احساس شکرگذاری ندارد نمی‌تواند ایمانی سرزنده و مستمر داشته باشد و بدون یک ایمان سرزنده، همانطور که در فصول بعد خواهیم دید، امکان ثروتمند شدن با استفاده از روش خلاقیت و آفرینندگی وجود ندارد.

بنابراین لازم است که عادت شکرگذاری در مورد چیزهای خوب را در خودتان ایجاد کنید تا بتوانید به صورت مستمر شکرگذار باشید.

و به این دلیل که همه چیز در پیشرفت شما سهیم است، باید بابت همه چیز شکرگذار باشید. وقت خود را با فکر کردن و صحبت کردن در زمینه شکست‌ها یا رفتار اشتباه اشراف و نجیب‌زادگان تلف نکنید. **نوع سازماندهی آنها از جهان، فرصت‌های شما را به وجود آورده است. آنچه شما واقعاً بدست می‌آورید، به واسطه آنهاست. (ص ۳۵)**

در مقابل سیاستمداران فاسد طغیان نکنید. اگر آنها نبودند ما دچار هرج و مرج می‌شدیم. در این صورت فرصت‌های شما در حد زیادی کاهش می‌یافت.

خداوند صبورانه وقت زیادی را صرف این کرده است که ما را از نظر صنعتی و حکومتی از آنچه هستیم بالاتر ببرد و این کار را به درستی انجام می‌دهد. کمترین شکی در این زمینه وجود ندارد که خداوند اشراف و تشکل‌های نجیب‌زادگان، فرمانروایان صنعت و سیاستمداران فاسد را به زودی مجازات خواهد کرد. ولی عین حال وجود آنها دارای اهمیت است. به یاد داشته باشید که همه آنها به ثروتمند شدن شما کمک می‌کنند. از همه آنها سپاس‌گذار باشید. این موضوع شما را در ارتباطی هماهنگ و منسجم با خوبی‌ها در همه چیز قرار خواهد داد و همه خوبی‌ها به سمت شما حرکت خواهد کرد.

فکر کردن به روش خاص

به فصل ۶ برگردید و دوباره داستان مردی را که تصویری ذهنی را در مورد خانه‌اش به وجود آورد، بخوانید. در این صورت ایده‌ای را در زمینه اولین گام به سوی ثروتمند شدن بدست خواهید آورد. شما باید یک تصویر ذهنی واضح و روشن از چیزی که می‌خواهید، بسازید. شما نمی‌توانید قبل از اینکه ایده‌ای داشته باشید آن را به دیگران منتقل کنید.

شما باید قبل از اینکه چیزی را به کسی بدهید خودتان صاحب آن باشید. بسیاری از مردم نمی‌توانند بر ماده دارای فکر تأثیر بگذارند زیرا در مورد آنچه می‌خواهند انجام بدهند، داشته باشند یا بشوند، درکی ناقص و مبهم دارند.

کافی نیست که فقط علاقه‌ای کلی به ثروت داشته باشید. هر فردی چنین علاقه‌ای دارد.

کافی نیست که فقط بخواهید به مسافرت بروید، چیزهای جالب ببینید، بیشتر زندگی کنید و غیره. هر فرد دیگری نیز چنین علاقه‌ای دارد. اگر قصد داشته باشید که به یکی از دوستانتان یک تلگراف بفرستید، حروف الفبا را با همان ترتیب الفبایی برای او نمی‌فرستید تا خودش پیامی را با استفاده از آنها بسازد. همچنین برای ایجاد این پیام کلمات را به صورت تصادفی از فرهنگ لغت انتخاب نمی‌کنید و یک جمله منسجم و معنی‌دار برای او می‌فرستید. هنگامی که می‌خواهید خواسته‌هایتان را روی ماده بدون فرم تثبیت کنید، باید این کار را با عباراتی منسجم انجام دهید. باید به طور قطع و یقین بدانید که چه چیزی را می‌خواهید. شما نمی‌توانید با فرستادن علایق مبهم و غیرمنسجم به ماده دارای فکر، ثروتمند شوید و یا اینکه نیروهای خلاق را به حرکت وادار کنید. آنطور به علایق خود فکر کنید که در مورد فردی که در مورد خانه‌اش فکر می‌کرد، گفته شد. آنچه را که می‌خواهید، ببینید و تصویری ذهنی و روشن در مورد آن بسازید مانند تصویری که هنگام بدست آوردن آن چیز خواهید دید.

شما باید این تصویر ذهنی واضح را به طور مستمر در ذهن داشته باشید مانند یک ملوان که مسیری را که در آن کشتی خود را می‌راند، به یاد دارد. شما باید در تمامی لحظات به این تصویر توجه داشته باشید و باید مانند یک سکاندار که توجه خود را به مسیر حرکت خود از دست نمی‌دهد، از این تصویر غفلت نکنید. لازم نیست که تمریناتی را در مورد تمرکز در این زمینه انجام دهید یا اینکه وقت خاصی را به دعا اختصاص دهید یا به تمرین سکوت پردازید و یا هر نوع کار دیگری از این قبیل را انجام دهید. همه اینها مفید است ولی تمامی آنچه شما نیاز دارید این است که بدانید چه می‌خواهید و آن را طوری بخواهید که در ذهن شما بماند.

تا آنجا که می‌توانید بیشتر اوقات فراغت خود را به تفکر در مورد تصویر ذهنی خود اختصاص دهید. ولی لازم نیست که تمریناتی را در مورد تمرکز روی آنچه واقعاً می‌خواهید، انجام دهید. تنها چیزهایی در ذهن شما نمی‌مانند که برای شما اهمیت ندارند و فقط تثبیت این موضوعات در ذهن نیازمند تلاش است.

تا زمانی که واقعاً به فکر ثروتمند شدن نباشید طوری که علاقه شما آنقدر قوی باشد که اندیشه شما را مانند یک مغناطیس جذب اهدافتان کند، مسیر حرکت خود را گم خواهید کرد. خیلی مهم و ارزشمند است که تلاش کنید تا دستورالعمل‌های ارائه شده در این کتاب را عملی سازید.

روشی که در این کتاب ارائه شده است برای کسانی است که علاقه آنها برای ثروتمند شدن به حدی است که می‌توانند بر تنبلی ذهنی خود غلبه کنند و آن را به کار گیرند.

هر چه تصویر ذهنی شما واضح‌تر و شفاف‌تر باشد و هر چه مدت بیشتری آن را در ذهن خود نگه دارید و به جزئیات خوشایند آن توجه بیشتری داشته باشید، علاقه شما بیشتر خواهد شد و هر چه علاقه شما بیشتر شود، تثبیت این تصویر در ذهنتان راحت‌تر صورت خواهد گرفت.

با این وجود چیزهای دیگری نیز علاوه بر داشتن یک تصویر ذهنی واضح و شفاف، ضروری است. اگر این تنها کاری باشد که انجام می‌دهید، تنها یک خیال‌پرداز خواهید بود و توانایی رسیدن به اهدافتان را نخواهید داشت.

علاوه بر داشتن یک تصویر واضح ذهنی، باید به دنبال تحقق بخشیدن آن باشید تا بتوانید آن را در جهان واقعی و به صورت ملموس ظاهر سازید.

علاوه بر این باید ایمان محکم و راسخ داشته باشید که این چیزها هم‌اکنون متعلق به شما و در دستان شماست و شما تنها مالک آنها هستید.

به طور ذهنی در خانه جدید خود زندگی کنید تا زمانی که در اطراف شما به صورت فیزیکی شکل گیرد. به صورت ذهنی از چیزهایی که دارید لذت کامل ببرید.

به گفته مسیح: «ایمان داشته باشید که آنچه را در زمان نیایش طلب می‌کنید، دریافت خواهید کرد. شما باید آنها را داشته باشید.»

آنچه را که می‌خواهید طوری در ذهن خود تصور کنید که انگار واقعاً همیشه در اطراف شما هستند. خودتان را در ذهن مالک آنها ببینید و از آنها استفاده کنید. در ذهن خود طوری از آنها استفاده کنید که انگار در جهان واقعی از آنها استفاده می‌کنید. آنقدر روی تصویر ذهنی خود کار کنید که واضح و شفاف شود. سپس با این نگرش به اشیای موجود در آن تصویر نگاه کنید که مالک تمامی آنها هستید. در ذهن خود را مالک همه آنها

بدانید با این اعتقاد که آنها واقعاً متعلق به شما هستند. این احساس مالکیت را در ذهن خود حفظ کنید. حتی برای یک لحظه ایمان خود را از دست ندهید و در واقعی بودن آن شک نکنید.

آنچه را که در فصل پیش در زمینه شکرگذاری گفته شد به یاد داشته باشید. به خاطر تصویر ذهنی خود شکرگذار باشید همان طوری که در زمان بدست آوردن آن شکرگذار خواهید بود. انسانی که به دلیل مالکیت ذهنی اشیاء خدا را شکر می‌کند، دارای ایمان واقعی است. چنین فردی ثروتمند خواهد شد و موجب خلق آن چیزی خواهد شد که می‌خواهد.

نیازی نیست که به طور مکرر برای چیزهایی که می‌خواهید نیایش و شکرگذاری کنید و لازم نیست که هر روز در مورد آنها با خدا صحبت کنید.

مسیح به شاگردانش می‌گفت: «از تکرارهای بیهوده پرهیز کنید. زیرا خداوند قبل از اینکه چیزی را از او طلب کنید، از نیاز شما آگاه است.»

با تکرار یک رشته از کلمات نمی‌توانید روی ماده اولیه تأثیر بگذارید. برای تأثیرگذاری بر ماده بدون فرم لازم است که تصویر ذهنی خود را با این هدف که می‌خواهید آن را بدست آورید، در ذهن نگه دارید و به این امر ایمان کامل داشته باشید که روزی آن را بدست خواهید آورد.

پاسخ به نیایش شما بر مبنای ایمان شما در لحظه صحبت کردن انجام نمی‌گیرد، بلکه بر مبنای ایمان شما در زمان کارکردن انجام می‌گیرد.

شما نمی‌توانید با اختصاص یک روز مانند یکشنبه^۹ به عبادت و بیان خواسته‌های خود برای خدا و سپس فراموش کردن این خواسته در سایر روزهای هفته، بر ذهن خدا تأثیر بگذارید. همچنین با تخصیص ساعاتی خاص به نیایش و طلب خواسته‌ها و فراموش کردن این خواسته‌ها تا زمانی که دوباره وقت نیایش و دعا برسد، نمی‌توانید بر ذهن خدا تأثیر بگذارید.

نیایش شفاهی به جای خود اهمیت دارد بخصوص از این بابت که تصویر ذهنی شما را واضح‌تر می‌سازد و ایمان شما را تقویت می‌کند. اما این خواسته‌های شفاهی شما نیست که آنچه را می‌خواهید بدست شما می‌رساند. شما برای ثروتمند شدن نیازی به «ساعات شیرین عبادت» ندارید. آنچه شما نیاز دارید عبادت بدون وقفه

^۹ روز تعطیلی و عبادت مسیحیان (مترجم)

است. منظورم از عبادت نیز این است که باید به طور مستمر روی تصویر ذهنی خود تمرکز کنید با این هدف که باعث خلق آن از ماده بدون فرم شوید و با ایمان کامل به اینکه این کار را خواهید کرد.

« مطمئن باشید که آن را بدست می آورید.»

بعد از اینکه تصویر ذهنی شفافی را ایجاد کردید کل موضوع پیرامون دریافت می چرخد. زمانی که تصویر ذهنی خود را شکل دادید، بهتر است که از طریق شفاهی و در قالب شکرگذاری عمیق آن را به ماده برتر اعلام کنید. در آن لحظه باید آنچه را در جستجوی آن هستید به صورت ذهنی دریافت کنید. به صورت ذهنی در خانه جدید خود زندگی کنید؛ لباس های زیبا را بپوشید؛ اتومبیل خود را برانید؛ به مسافرت بروید؛ و با اطمینان برای مسافرت های بزرگتر برنامه ریزی کنید. در مورد تمامی چیزهایی که در جستجوی آنها هستید طوری فکر و صحبت کنید که انگار واقعا مالک آنها هستید. یک محیط یا یک شرایط مالی را دقیقاً به آن صورتی که می خواهید تصور کنید و در تمامی لحظات در محیط و شرایط مالی مورد نظر خود زندگی کنید. با این وجود به یاد داشته باشید که این کار را فقط به عنوان یک رؤیایپردازی محض انجام ندهید. ایمان داشته باشید که این ذهنیت به واقعیت تبدیل خواهد شد و با این هدف به تصویر ذهنی خود پردازید که آن را در جهان واقعی تحقق بخشید. به یاد داشته باشید که داشتن هدف و ایمان همزمان با کاربرد یک تصویر ذهنی باعث تمایز یک عالم از یک رؤیایپرداز می شود. اکنون باید با کاربرد صحیح از خواسته ها آشنا شوید.

نحوه کاربرد صحیح خواسته ها

برای اینکه بتوانید به روشی علمی ثروتمند شوید، نباید به دنبال این باشید که خواسته های خود به دیگران تحمیل کنید.

شما به هیچ وجه حق ندارید که چنین کاری را انجام دهید.

اگر بخواهید خواسته های خود را به دیگران تحمیل کنید و از آنها بخواهید که آنچه را شما می خواهید انجام دهند کار اشتباهی کرده اید.

به همان اندازه که اجبار افراد به صورت فیزیکی کار کاملاً اشتباهی است، اجبار آنها با استفاده از قدرت ذهنی نیز اشتباه است. اگر اجبار فیزیکی دیگران برای اینکه کاری را برای ما انجام دهند، مقام آنها را در حد برده کاهش می دهد، اجبار آنها به وسیله نیروی ذهنی نیز دقیقاً به همین معناست. تنها تفاوت در روش کار است.

اگر گرفتن اشیاء از دیگران با استفاده از قدرت فیزیکی دزدی است، گرفتن اشیاء با نیروی ذهنی نیز دزدی است و تفاوتی بین این دو وجود ندارد.

شما حق ندارید که خواسته هایتان را به شخص دیگری تحمیل کنید حتی برای آنچه به مصلحت اوست. زیرا شما نمی دانید که چه چیزی به مصلحت اوست. علم ثروتمند شدن از شما نمی خواهد که دیگران را وادار به اجبار کنید. هیچ نیازی برای انجام این کار وجود ندارد. در حقیقت هر تلاشی که برای تحمیل خواسته هایتان بر دیگران انجام دهید، باعث می شود که در رسیدن به هدف خود ناکام بمانید.

نیازی نیست که خواسته هایتان را به اشیا تحمیل کنید تا آنها را وادار کنید که به سمت شما بیایند.

این مطلب به طور ساده به معنی اجبار کردن خداوند و کاری احمقانه و غیرمفید است.

شما نمی توانید خداوند را مجبور کنید که چیزهای خوبی به شما بدهد. همان طور که نمی توانید خورشید را وادار کنید که طلوع کند.

مجبور نیستید که انرژی خود را در این زمینه صرف کنید که بر یک خدای سرکش غلبه کنید. همچنین لازم نیست که نیروهای سرکش را وادار به انجام خواسته های خود کنید.

ماده بدون فرم دوست شماست و کاملاً مشتاق است که شما را به خواسته هایتان برساند.

برای ثروتمند شدن فقط لازم است که خواسته هایتان را از خودتان بخواهید.

زمانی که چگونگی فکر کردن و کار کردن را یاد گرفتید باید انرژی خود را صرف فکر کردن به روش خاص و انجام کارها به روش خاص نمایید. این کار روش درست استفاده از خواسته ها برای بدست آوردن چیزهای مورد علاقه شماست تا بتوانید با استفاده از آن خود را در مسیر درست نگه دارید. انرژی و توان خود را صرف فکر کردن به روش خاص و انجام کارها به روش خاص نمایید.

انرژی، توان و اندیشه خود را درگیر بدست آوردن خواسته های خود از طریق محیط بیرونی، اشیا و اشخاص نکنید.

توان ذهنی تان را در مورد خودتان به کار بگیرید. این بهترین کار است.

با استفاده از فکر خود یک تصویر ذهنی واضح از آنچه می خواهید خلق کنید و این تصویر را با هدف بدست آوردن آن و با ایمان و اعتقاد کامل در ذهن خود نگه دارید. و خواسته هایتان را طوری به کار بگیرید که ذهن شما را وادار به انجام کارها به روش خاص نماید.

هر چه باور و ایمان شما محکم‌تر و پایدارتر باشد، زودتر ثروتمند خواهید شد زیرا فقط سیگنال‌های مثبت را به ماده بدون فرم می‌فرستید و آنها را با سیگنال‌های منفی خنثی نمی‌کنید.

تصویر ذهنی شما که همراه با باور و اعتقاد راسخ است به وسیله ماده بدون فرم گرفته می‌شود و در فواصل زیاد در طول جهان نفوذ می‌کند.

زمانی که این تصویر در جهان منتشر می‌شود همه چیز در جهت تحقق بخشیدن آن به حرکت درمی‌آید. تمامی موجودات زنده، تمامی موجودات غیرزنده و تمامی چیزهایی که هنوز خلق نشده است به حرکت درمی‌آید تا آنچه را که می‌خواهید به دست شما برساند. همه نیروها شروع به حرکت در آن جهت می‌کنند. همه چیزها شروع به حرکت به سوی شما می‌کنند. ذهن انسان‌ها در هر کجای دنیا در جهت انجام کارهای لازم برای برآورده شدن خواسته شما به حرکت درمی‌آید و به صورت ناخودآگاه برای شما کار می‌کنند.

اما شما می‌توانید همه اینها را با فرستادن یک سیگنال (اندیشه) منفی به ماده بدون فرم امتحان کنید. همان طور که هدف و باور باعث شروع حرکت اشیا به سمت شما می‌شود، شک و ضعف باور باعث می‌شود که اشیا از شما دور شوند. به همین دلیل است که بسیاری از افرادی که می‌خواهند از علم ذهنی برای ثروتمند شدن استفاده کنند، شکست می‌خورند. در تمامی لحظاتی که دچار شک و ترس می‌شوید، در تمامی لحظاتی که در نگرانی به سر می‌برید و در تمامی لحظاتی که از نظر روحی ایمان شما ضعیف می‌شود، تسلط خود را بر ماده بدون فرم از دست می‌دهید. همه چیز در گرو باورهاست. توجه داشته باشید که چقدر حضرت عیسی روی ایمان و باور تأکید می‌کند. حال شما علت این تأکید را می‌فهمید.

به خاطر اهمیت باور و ایمان، لازم است که مراقب اندیشه‌هایتان باشید. اگر افکار شما در حد زیادی به وسیله اشیایی که مشاهده و در مورد آنها فکر می‌کنید، شکل می‌گیرد، باید افکار خود را کنترل و مدیریت کنید. در اینجاست که خواسته‌ها به کار شما می‌آیند زیرا به واسطه خواسته‌هاست که سمت و سوی تمرکز افکار خود را مشخص می‌کنید.

اگر می‌خواهید ثروتمند شوید، نباید در مورد فقر مطالعه کنید.

اشیاء با فکر کردن در مورد متضادشان به وجود نمی‌آیند. با مطالعه و تفکر در مورد بیماری‌ها نمی‌توان به سلامتی دست یافت؛ با مطالعه و تفکر در مورد گناه نمی‌توان به راستی و درستی رسید و هیچ کس با مطالعه و تفکر در مورد فقر نمی‌تواند ثروتمند شود.

علم پزشکی به عنوان علم مطالعه بیماری‌ها، بیماری‌ها را افزایش داده است. مذهب به عنوان علم گناه و معصیت، معصیت را تقویت کرده است و علم اقتصاد به عنوان علم مطالعه فقر، جهان را پر از بدبختی کرده است.

در مورد فقر مطالعه نکنید. آن را بررسی نکنید و خودتان را با آن درگیر نکنید. هرگز در مورد علل آن فکر نکنید. شما نمی‌توانید با آن‌ها کاری بکنید.

آنچه به شما مربوط می‌شود، بهبود یافتن است.

وقت خود را صرف امور خیریه یا حرکت‌های خیرخواهانه نکنید. حرکت‌های خیرخواهانه بدبختی‌ای را که مدعی کاستن آن است، همیشگی کرده است.

منظورم این نیست که شما باید سنگدل یا نامهربان باشید و صدای نیازمند را نشنوید؛ اما شما نباید به دنبال فرونشاندن فقر با استفاده از روش‌های سستی باشید. فقر و وابستگی به فقر را پشت سر خود بیاندازید و آن را جبران کنید.

ثروتمند شوید. این بهترین روش کمک به فقراست.

اگر ذهن خود را از تصویر فقر پر کنید نمی‌توانید تصویر ذهنی مربوط به ثروتمند شدن را در ذهن نگه دارید. کتاب‌ها و مقالاتی را که در مورد بدبختی اجاره نشین‌ها و بیچارگی کودکان کار است، مطالعه نکنید. چیزهایی را که ذهن شما را از تصویر غم‌انگیز رنج و نیاز پر می‌کند مطالعه نکنید.

شما با دانستن این چیزها نمی‌توانید کمترین کمکی به فقرا بکنید. دانش همه جانبه در این مورد هرگز باعث حذف فقر نمی‌شود.

برای کاهش فقر لازم نیست که تصویر فقر را وارد ذهن خود کنید، بلکه باید تصویر ثروت را وارد ذهن فقرا کنید.

زمانی که اجازه نمی‌دهید ذهنتان از تصویر فقر و بدبختی پر شود، فقرا را در فقر و بدبختی‌شان تنها نمی‌گذارید. فقر زمانی از بین می‌رود که تعداد افراد فقیری که به ثروتمند شدن خود ایمان دارند، افزایش یابد نه زمانی که تعداد افراد ثروتمندی که به فقر فکر می‌کنند افزایش یابد.

فقرا نیازی به خیریه ندارند؛ آنها نیازمند انگیزش هستند. خیریه فقط به آنها یک تکه نان می‌دهد تا در بدبختی-شان زنده بمانند یا مقداری آنها را سرگرم می‌کند تا برای یک یا دو ساعت فقر خود را فراموش کنند. ولی

انگیزش آنها را وادار می‌کند که از بدبختی‌شان بیرون بیایند. اگر می‌خواهید به فقرا کمک کنید به آنها ثابت کنید که می‌توانند ثروتمند شوند. خودتان ثروتمند شوید تا بتوانید این مطلب را به آنها ثابت کنید.

تنها راهی که فقر می‌تواند برای همیشه از روی زمین محو شود این است که تعداد افرادی که یادگرفتن مطالب این کتاب را تمرین می‌کنند در حد وسیع و گسترده‌ای افزایش یابد.

افراد باید بیاموزند که با خلاقیت ثروتمند شوند نه با رقابت.

هر فردی که به واسطه رقابت ثروتمند شود نردبانی را که با آن بالا رفته است پشت سر خود می‌اندازد و دیگران را در فقر می‌گذارد ولی هر فردی که به واسطه خلاقیت و آفرینش ثروتمند شود، راهی را برای هزاران نفر دیگر باز می‌کند تا از او تبعیت کنند و به آنها انگیزه می‌دهد که به همان طریق رفتار کنند.

زمانی که از وجود فقر متأسف نمی‌شوید، به آن توجه نمی‌کنید، در مورد آن مطالعه نمی‌کنید، در مورد آن فکر و صحبت نمی‌کنید و به کسانی که در مورد آن صحبت می‌کنند، گوش نمی‌دهید، به دنبال آن نیستید که رفتاری سنگدلانه از خود نشان دهید و هیچ‌گونه احساسی در این زمینه نداشته باشید. قدرت خواسته‌های خود را در این جهت به کار بگیرید که موضوع فقر را از ذهن خود بیرون کنید و با ایمان و اعتقاد روی تصویر آنچه می‌خواهید تمرکز کنید.

کاربرد بیشتر خواسته‌ها

زمانی که توجه خود را به طور مستمر معطوف به تصاویر مخالف می‌کنید، بدون توجه به اینکه این تصاویر بیرونی هستند یا ذهنی، نمی‌توانید تصویری درست و واضح از ثروت را در ذهن داشته باشید.

اگر در گذشته وضعیت مالی اسفباری داشته‌اید، در مورد آن صحبت نکنید و هرگز به آن فکر نکنید. در مورد فقر والدیتان یا در مورد سختی‌های ابتدای زندگی‌تان صحبتی نکنید؛ اگر هر یک از این کارها را انجام دهید ذهنتان را با فقر هماهنگ می‌کنید و این کار مطمئناً از حرکت اشیاء به سوی شما جلوگیری می‌کند.

به قول عیسی: «کار مردگان را به مردگان واگذار کنید»

فقر و تمام چیزهای مربوط به آن را به طور کامل رها کنید.

شما درستی یکی از قوانین مربوط به جهان را پذیرفته‌اید و تمامی شادی‌های آینده شما بستگی به درستی آن دارد. در این صورت با نگر داشتن تئوری‌های مخالف آن در ذهن، چه چیزی بدست خواهید آورد؟

کتاب‌های مذهبی‌ای را که به شما می‌گویند دنیا به زودی به آخر می‌رسد و نیز نوشته‌های فلاسفه بدبین را که می‌گویند دنیا جهنم می‌شود را نخوانید.

دنیا به سمت جهنم پیش نمی‌رود؛ دنیا در حال حرکت به سوی خداست.

دنیا در حال شدن است.

درست است که در شرایط موجود چیزهای زیادی وجود دارد که قابل پذیرش نیست اما زمانی که این چیزها در حال از بین رفتن است مطالعه آنها چه سودی دارد؟ و آیا مطالعه این چیزها مانع از بین رفتن و ماندن آنها با ما می‌شود؟ چرا زمانی که می‌توانید با تقویت رشد تکاملی باعث تسریع از بین رفتن این چیزها شوید، وقت و توجه خود را صرف چیزهایی می‌کنید که به واسطه رشد تکاملی از بین می‌روند؟

بدون توجه به اینکه شرایط موجود در یک کشور، بخش یا مکان چقدر ناگوار است، با بررسی این چیزها وقت خود را تلف و شانس خود را ضایع می‌کنید.

شما باید خود را علاقه مند به جهانی کنید که در حال ثروتمند شدن است.

در این صورت فکر جهان ثروتمند به جای فقر وارد ذهن شما می‌شود. به یاد داشته باشید که تنها راهی که شما می‌توانید جهان را در مسیر ثروتمند شدن یاری کنید این است که خودتان ابتدا با استفاده از روش مبتنی بر خلاقیت و آفرینش - نه رقابت - خودتان را ثروتمند شوید.

تمام توجه خود را معطوف به ثروت کنید؛ فقر را فراموش کنید.

هر کجا که می‌خواهید در مورد فقرا صحبت یا تفکر کنید طوری صحبت یا تفکر کنید که انگار آنها افرادی هستند که در حال ثروتمند شدن هستند؛ افرادی که به جای تأسف، باید مورد تمجید قرار می‌گیرند. در این صورت آنها و سایر افراد برانگیخته می‌شوند و به دنبال راه‌هایی برای رهایی از فقر می‌افتند.

اینکه من به شما گفتم که باید تمامی وقت و فکر خود را صرف کسب ثروت کنید به این معنی نیست که شما فرد بدجنس و خسیسی هستید.

ثروتمند شدن بهترین هدفی است که شما می‌توانید در زندگی داشته باشید. زیرا تمامی چیزهای دیگر را دربرمی‌گیرد.

در فضای رقابتی هرگونه تلاشی برای کسب ثروت، تلاش برای اعمال قدرت روی دیگران است. ولی زمانی که وارد ذهن خلاق می‌شویم همه چیز تغییر می‌کند.

تمامی آنچه در مسیر بزرگی و عظمت روحی وجود دارد و تمامی آنچه در مسیر تلاش و خدمت صادقانه وجود دارد، با ثروتمند شدن قابل دسترس است. و دسترسی به همه این‌ها با استفاده از اشیاء میسر می‌شود. اگر از سلامتی فیزیکی برخوردار نیستید خواهید دانست که دستیابی به سلامتی مشروط به ثروتمند شدن است. تنها کسانی می‌توانند سالم باشند که نگرانی مالی نداشته باشند، از امکانات لازم برای یک زندگی بدون دغدغه برخوردار باشند و قواعد بهداشتی را رعایت کنند.

شادابی ذهنی و روحی تنها برای کسانی امکان‌پذیر است که ورای قانون تنازع برای بقا قرار دارند و تنها کسانی که با استفاده از ذهن و اندیشه خلاق خود ثروتمند شده‌اند، از اثرات منفی ناشی از رقابت به دور هستند. اگر در درون خود احساس شادابی می‌کنید به یاد داشته باشید که عشق زمانی به بهترین وجه رشد می‌کند که فرد به دنبال تزکیه و تهذیب باشد، اندیشه‌های والایی داشته باشد و از عوامل تخریب‌کننده به دور باشد. و همه اینها زمانی قابل دسترس است که فرد با استفاده از اندیشه خلاق خود ثروتمند شده باشد نه با استفاده از جدل و رقابت.

هیچ هدفی برای شما مهم‌تر و باارزش‌تر از ثروتمند شدن نیست. شما باید توجه خود را به طور کامل روی تصویر ذهنی ثروتمند شدن متمرکز کنید و تمامی چیزهایی را که ممکن است ذهن شما را از این تصویر منحرف کند از ذهن خود دور کنید.

شما باید یاد بگیرید که راستی و صداقت موجود در اشیاء را درک کنید و به اندیشه‌های غلط که بزرگترین آنها این است که «جهان به سمت شکوفایی و شادابی بیشتر پیش نمی‌رود»، بهایی ندهید.

واقعیت این است که چیزی به نام فقر وجود ندارد و فقط ثروت وجود دارد.

برخی از مردم به این دلیل فقیر می‌مانند که این حقیقت را نادیده می‌گیرند که برای آنها هم ثروت وجود دارد. و این موضوع را زمانی می‌توانید به بهترین نحو به آنان بفهمانید که فراوانی را وارد زندگی خود کنید.

برخی دیگر از مردم به این علت فقیرند که با وجود اینکه احساس می‌کنند راهی برای رهایی از فقر وجود دارد آنقدر دچار تنبلی ذهنی هستند که به اندازه کافی برای یافتن آن راه و دنبال کردن آن تلاش نمی‌کنند. بهترین کاری که شما می‌توانید در این مورد انجام دهید آن است که با نشان دادن شادابی ناشی از ثروتمند شدن به آنان، علاقه آنان را به ثروتمند شدن افزایش دهید.

برخی دیگر از افراد به این دلیل فقیرند که با وجود اینکه دارای شم علمی هستند، آنقدر غرق تئوری‌های رمزآلود و متافیزیکی شده‌اند که نمی‌دانند باید چه راهی را انتخاب کنند. آنها ترکیبی از سیستم‌های مختلف را آزمایش می‌کنند و در همه موارد با شکست روبرو می‌شوند. در اینجا نیز بهترین کاری که شما می‌توانید انجام دهید این است که به وسیله رفتار خودتان بهترین راه را به آنان نشان دهید. ارزش انجام یک کار کوچک از دانستن هزار تئوری بیشتر است.

بهترین کاری که می‌توانید برای همه دنیا انجام دهید این است که بهترین استفاده را از خودتان ببرید. راهی بهتر از ثروتمند شدن برای خدمت به خدا و خلق وجود ندارد. البته اگر با استفاده از روش خلاقیت ثروتمند شوید و نه روش رقابتی.

یک موضوع دیگر. این کتاب اصول علم ثروتمند شدن را با جزئیات بیان می‌کند. اگر این موضوع درست باشد نیازی به خواندن کتاب‌های دیگر در این مورد ندارید. ممکن است این امر به نظر کوتاه بینی و خودخواهی بیاید. اما دقت داشته باشید که در ریاضی غیر از جمع، تفریق، ضرب و تقسیم، روش علمی دیگری برای محاسبه وجود ندارد و محاسبه به روش دیگری امکان‌پذیر نیست. فقط یک مسیر وجود دارد که کوتاه‌ترین مسیر بین دو نقطه است. برای تفکر علمی هم فقط یک راه وجود دارد و آن هم روشی است که از کوتاه‌ترین راه به هدف برسید. هیچ فردی تا به حال نتوانسته است روشی ساده‌تر و خلاصه‌تر از روشی که در این کتاب آمده است، ارائه کند. این روش از همه مطالب غیرضروری پیراسته شده است. زمانی که این روش را انتخاب کردید بقیه روش‌ها را رها کرده و از ذهن خود خارج کنید.

این کتاب را هر روز بخوانید؛ آن را با خود نگه دارید؛ آن را به ذهن بسپارید و در مورد سایر سیستم‌ها و تئوری‌ها فکر نکنید. اگر این کار را انجام بدهید دچار شک، نگرانی و تردید در اندیشه‌هایتان خواهید شد و در نتیجه دچار شکست می‌شوید.

بعد از اینکه ثروتمند شدید می‌توانید سایر سیستم‌ها و تئوری‌های مورد علاقه خود را مطالعه کنید. ولی تا زمانی که مطمئن نشده‌اید که به آنچه می‌خواهید رسیده‌اید، در این مورد چیزی غیر از این کتاب را نخوانید. مگر اینکه متعلق به نویسنده‌ای باشد که در مقدمه آمده است.

و فقط عباراتی را بخوانید که خوش‌بینانه و هماهنگ با تصویر ذهنی شماست.

علاوه بر این بررسی موضوعات اسرارآمیز را به تأخیر بیندازید. وارد مطالعات عرفانی، روح‌گرایی و مطالب مشابه نشوید. به احتمال زیاد مرگ هنوز وجود دارد و در همین نزدیکی است. با این وجود این چیزها را رها کنید و به کار خود بپردازید.

روح‌های مرده در هر کجا که باشند کارهای مخصوص خودشان را دارند و دارای مشکلات خاص خود هستند. ما حق نداریم در کار آنها دخالت کنیم. ما نمی‌توانیم به آنها کمک کنیم و معلوم نیست که آنها بتوانند به ما کمک کنند. اگر هم بتوانند معلوم نیست که ما حق داشته باشیم وقت آنها را بگیریم. مردگان و آخرت را رها کنید و مشکلات خودتان را حل کنید؛ ثروتمند شوید. اگر وارد کارهای اسرارآمیز شوید ذهن خود را درگیر فرایندی می‌کنید که آرزوهای شما را با شکست مواجه می‌کند. حال با توجه به مطالب این فصل و فصل قبل می‌توانیم واقعیت‌های پایه زیر را بیان کنیم:

یک ماده اولیه دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن اندیشه تجسم شده است، به وجود می‌آورد. انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

برای این منظور انسان باید از ذهنیت رقابت وارد ذهنیت خلاقیت شود و یک تصویر ذهنی واضح از آنچه می‌خواهد ایجاد کند و این تصویر ذهنی را با هدف به دست آوردن آن در ذهن نگه دارد و ایمان راسخ داشته باشد که آنچه را می‌خواهد بدست می‌آورد. همچنین باید تمامی چیزهایی را که در هدف او اختلال ایجاد می‌کند، تصویر ذهنی او را مخدوش می‌کند و ایمان او را از بین می‌برد، از ذهن خود خارج کند.

علاوه بر همه اینها فرد باید به روش خاص زندگی و رفتار کند.

رفتار کردن (عمل کردن) به روش خاص

فکر یک نیروی خلاق است و یا نیرویی که باعث فعال شدن قدرت خلاقیت می‌شود. فکر کردن به روش خاص ثروت را برای شما به ارمغان می‌آورد اما نباید تنها به افکارتان تکیه کنید و توجهی به رفتار شخصی‌تان

نداشته باشید. اینجا همان جایی است که بسیاری از اندیشمندان علوم متافیزیکی با شکست مواجه می‌شوند - شکست در ایجاد ارتباط بین اندیشه و رفتار شخصی.

ما هنوز به مرحله‌ای از پیشرفت نرسیده‌ایم - به فرض اینکه چنین مرحله‌ای وجود داشته باشد - که بتوانیم بدون فرایندهای طبیعی و بدون استفاده از دستان بشر، چیزی را به طور مستقیم از ماده بدون فرم خلق کنیم. انسان نه تنها باید فکر کند بلکه باید با عمل خویش افکارش را تکمیل کند.

شما با فکر و اندیشه می‌توانید طلاهای موجود در قلب کوهستان را وادار کنید که به سوی شما بیایند؛ اما این طلاها به خودی خود استخراج نخواهند شد؛ به خودی خود تصفیه نخواهند شد؛ به خودی خود تبدیل به سکه نخواهند شد و در جستجوی مسیری برای رسیدن به جیب شما به راه نخواهند افتاد.

تحت تسلط و اراده روح برتر، رفتارهای انسان‌ها به نحوی سازماندهی می‌شود که برخی از آنها طلا را برای شما استخراج می‌کنند. همچنین معاملات و کسب و کارهای انسان‌ها طوری تنظیم می‌شود که طلا در جهت رسیدن به شما فروخته می‌شود. شما نیز باید رفتار و کسب و کار خود را طوری تنظیم کنید که بتوانید آن را در زمانی که به سوی شما می‌آید دریافت کنید. فکر شما باعث می‌شود که موجودات زنده و غیرزنده طوری عمل کنند که آنچه می‌خواهید به سمت شما بیاید. اما عملکرد و رفتار شخصی شما باید طوری باشد که بتوانید آن چیز را دقیقاً در زمانی که به شما می‌رسد، دریافت کنید. شما آن چیز را به عنوان خیریه دریافت نمی‌کنید یا از راه دزدی بدست نمی‌آورید. شما باید در قبال پولی که از دیگران می‌گیرد استفاده بیشتری را نصیب آنها کنید.

استفاده علمی از افکار شامل ایجاد یک تصویر ذهنی واضح و روشن از آنچه می‌خواهید؛ نگه داری این تصویر در ذهن با هدف بدست آوردن آن و واقعی کردن این تصویر با شکرگذاری و ایمان به کسب آنچه می‌خواهید، می‌باشد.

هرگز به فکر این نباشید که با برنامه‌ای مبهم و رازآلود افکار خود را وادار کنید که به اطراف بروند و کارها را برای شما انجام دهند. این یک تلاش بیهوده است و سلامت عقلی شما را برای تفکر به خطر می‌اندازد.

نقش افکار در فرایند کسب ثروت در فصل قبلی به طور کامل توضیح داده شده است. هدف و ایمان شما باعث تثبیت تصویر ذهنی شما روی ماده بدون فرم می‌شود. این ماده همانند شما علاقه به زندگی بیشتر دارد. تصویری که به وسیله ماده بدون فرم از شما دریافت می‌شود تمامی نیروهای خلاق را وادار می‌کند که در مسیر قانونی فعالیت خود، متاهی در جهت رسیدن به شما به کار بیفتند.

کار شما هدایت و مدیریت فرایندهای خلاق نیست. تمامی آنچه شما باید انجام دهید این است که: تصویر ذهنی خود را به صورت مداوم در ذهن داشته باشید، به هدف خود بچسبید و ایمان و شکرگذاری خود را حفظ کنید.

اما باید به روش خاصی عمل کنید طوری که بتوانید آنچه را که متعلق به شماست در زمانی که به سوی شما می‌آید، دریافت کنید. طوری که بتوانید اشیای موجود در تصویر ذهنی خود را در بیرون مشاهده کرده و آنها را در جای مناسب خود قرار دهید.

شما واقعاً می‌توانید صحت این موضوع را درک کنید. زمانی که قرار است این اشیا به دست شما برسند در اختیار سایر افراد خواهند بود و آنها معادلی را برای آن از شما طلب می‌کنند.

و شما با دادن آنچه متعلق به دیگران است، می‌توانید آنچه را متعلق به شماست به دست بیاورید. قرار نیست که کیف توجیبی شما تبدیل به یک کیف شانس شود که بدون اینکه هیچ‌گونه تلاشی بکنید همیشه پر از پول باشد.

این همان اصل اساسی در علم کسب ثروت است که باید فکر و رفتار شخصی با هم ترکیب شود. افراد زیادی وجود دارند که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه با تمرکز و پافشاری روی علایق خود، نیروهای خلاق را به کار می‌اندازند اما به دلیل خود را برای دریافت آنچه به سمت آنها می‌آید آماده نمی‌کنند.

با اندیشه و تفکر، آنچه می‌خواهید به سوی شما می‌آید. با عمل آن را دریافت می‌کنید.

فعالیت شما هر چه که باشد واضح است که باید در زمان «حال» فعالیت کنید. شما نمی‌توانید در گذشته فعالیت کنید و لازم است که برای شفافیت تصویر ذهنی خود گذشته را از ذهن خود دور کنید. همچنین نمی‌توانید در آینده فعالیت کنید زیرا آینده هنوز نیامده است. همچنین شما نمی‌توانید بگویید که قصد انجام چه فعالیتی را در یک موقعیت خاص در آینده دارید مگر آنکه آن موقعیت خاص فرا رسیده باشد.

فکر نکنید که به خاطر اینکه اکنون در محیط و شغل مناسب نیستید باید فعالیت خود را تا زمانی که وارد شغل و محیط مناسب شوید به تأخیر اندازید. همچنین وقت فعلی خود را صرف تفکر در مورد روش‌های روبرو شدن با حوادث پیش‌بینی نشده در آینده نکنید. به توانایی‌های خود ایمان داشته باشید تا بتوانید در زمان وقوع حوادث پیش‌بینی نشده، به خوبی با آنها روبرو شوید.

اگر با وجود اینکه در زمان حال فعالیت می‌کنید، ذهن شما متوجه آینده باشد، عمل فعلی شما با یک ذهن تقسیم شده انجام خواهد شد و کارایی نخواهد داشت.

تمامی توجه خود را معطوف به فعالیت فعلی خود کنید.

بعد از اینکه سیگنال‌های خلاق خود را به سمت ماده بدون فرم فرستادید، بیکار نمانده و به انتظار نتایج ننشینید. اگر این کار را بکنید هیچ وقت آنها را بدست نخواهید آورد. در «حال» فعالیت کنید. زمانی غیر از حال وجود ندارد و به وجود نخواهد آمد. اگر قرار است خود را برای بدست آوردن آنچه می‌خواهید آماده کنید، باید اکنون آماده شوید.

و فعالیت شما، هر چه باشد، به احتمال خیلی زیاد در شغل فعلی شما و در ارتباط با اشخاص و اشیایی باشد که در محیط فعلی شما وجود دارند.

شما نمی‌توانید در جایی که نیستید، در جایی که قبلاً بوده‌اید و در جایی که قرار است باشید، فعالیت کنید. فقط در جایی می‌توانید فعالیت کنید که اکنون هستید.

نگران این نباشید که کار دیروز شما کامل انجام شده است یا ناقص. کار امروز خود را در نهایت کمال انجام دهید.

سعی نکنید کار فردا را امروز انجام دهید. فردا به اندازه کافی برای انجام این کارها وقت دارید.

سعی نکنید که با اهداف مبهم و اسرارآمیز، روی افراد و اشیایی کار کنید که در دسترس شما نیستند.

قبل از اینکه کاری انجام دهید منتظر ایجاد تغییر در محیط نباشید. با رفتار خود محیط را تغییر دهید.

بنابراین شما می‌توانید در شرایط فعلی خود فعالیت کنید طوری که به واسطه آن بتوانید وارد شرایط بهتری شوید.

با هدف و ایمان تصویر مربوط به شرایط بهتر را در ذهن داشته باشید، اما با تمام وجود، با تمام توجه و با تمام توان، روی شرایط فعلی خود کار کنید.

وقت خود را صرف رؤیپردازی‌های روزمره و ساختن دژهای خیالی نکنید. تصویر آنچه را می‌خواهید در ذهن داشته باشید و در حال فعالیت کنید.

به عنوان اولین قدم برای ثروتمند شدن به دنبال انجام کارهای جدید، عجیب، غیرمعمولی و برجسته نباشید. ممکن است که رفتار شما حداقل برای زمانی کوتاه همان رفتاری باشد که در گذشته انجام می‌داده‌اید. اما اکنون شروع به انجام این کارها به روش خاص می‌کنید که مطمئناً شما را ثروتمند خواهد کرد.

اگر اکنون مشغول انجام کاری هستید که فکر می‌کنید مناسب شما نیست، برای شروع فعالیت، منتظر این نباشید که وارد شغل مناسب خود شوید.

به خاطر اینکه در شرایط مناسبی قرار ندارید، بیکار ننشینید و تأسف نخورید. هیچ کس آنقدر در شرایط بدی قرار نگرفته است که نتواند شرایط بهتری پیدا کند و هیچ فردی آنقدر درگیر شغل نامناسبی نشده است که نتواند وارد شغل مناسب خود شود.

تصویر مربوط به شغل دلخواه خود را در ذهن داشته باشید، با این هدف که آن را بدست می‌آورید و با ایمان به اینکه آن را بدست خواهید آورد. اما در شغل فعلی خود فعالیت کنید. از شغل فعلی خود به عنوان ابزاری برای شغل بهتر و از شرایط فعلی به عنوان ابزاری برای دستیابی به شرایط مناسب‌تر استفاده کنید. اگر تصویر شما در مورد شغل دلخواه با ایمان و هدف در ذهن نگه داشته شود، نیروی برتر را وادار می‌کند که شغل دلخواهتان را به سوی شما بیاورد و اگر رفتار شما به روش خاص انجام شود شما را وادار به حرکت به سمت شغل دلخواهتان می‌کند.

اگر یک کارگر یا دستمزدبگیر هستید و احساس می‌کنید که به منظور دستیابی به آنچه می‌خواهید باید شغل خود را تغییر دهید، فکر خود را طوری برنامه ریزی نکنید که به فضا برود و شغل مورد نظرتان را بدست شما برساند. فکر شما احتمالاً قادر به انجام این کار نیست.

تصویر مربوط به شغل دلخواه را در ذهن داشته باشید، در عین حال با هدف و ایمان در شغل فعلی خود کار کنید. در این صورت مطمئناً شغل دلخواه خود را بدست خواهید آورد.

تصویر ذهنی و ایمان شما، نیروهای خلاق را به حرکت درمی‌آورد تا آن را به سوی شما بیاورند و رفتار و عملکرد شما نیروهای موجود در محیط پیرامون شما را وادار می‌کند تا شما را به سمت شغل دلخواهتان به حرکت در بیاورند. در پایان این فصل عبارت دیگری را به نکات کلیدی خود اضافه می‌کنیم:

یک ماده اولیه دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن اندیشه تجسم شده است، به وجود می‌آورد. انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

برای این منظور انسان باید از ذهنیت رقابت وارد ذهنیت خلاقیت شود و یک تصویر ذهنی واضح از آنچه می‌خواهد ایجاد کند و این تصویر ذهنی را با هدف به دست آوردن آن در ذهن نگه دارد و ایمان راسخ داشته باشد که آنچه را می‌خواهد بدست می‌آورد. همچنین باید تمامی چیزهایی را که در هدف او اختلال ایجاد می‌کند، تصویر ذهنی او را مخدوش می‌کند و ایمان او را از بین می‌برد، از ذهن خود خارج کند. یک فرد برای اینکه بتواند خواسته‌هایش را در زمانی که به سوی او می‌آیند، دریافت کند باید در زمان حال و در ارتباط با افراد و اشیای موجود در محیط فعلی خود، به فعالیت بپردازد.

رفتار کارآمد

شما باید افکار خود را به روشی که در فصول پیشین توضیح داده شد به کار بگیرید و در هر جایی که هستید تمامی آنچه را می‌توانید انجام دهید.

شما زمانی می‌توانید پیشرفت کنید که فراتر از موقعیت فعلی خود باشید و هیچ فردی نمی‌تواند از موقعیت فعلی خود فراتر برود مگر اینکه هیچ یک از کارهای مربوط به موقعیت فعلی خود را انجام نشده، رها نکند. جهان تنها به وسیله افرادی پیشرفت می‌کند که فراتر از موقعیت فعلی خود هستند.

اگر افراد موقعیت فعلی خود را به طور کامل پوشش ندهند، خواهید دید که باید نوعی پسرقت در همه چیز به وجود آید. آنها که نمی‌توانند موقعیت فعلی خود را به طور کامل پوشش دهند اجسادی مرده در جامعه، حکومت، دولت، تجارت و صنعت هستند. فرایند رشد جهان تنها به وسیله آنهایی کند شده است که موقعیت فعلی خود را پوشش نمی‌دهند. آنها متعلق به دوره گذشته و مراحل پایین‌تر حیات هستند و گرایش به تباهی و انحطاط دارند. جامعه‌ای که در آن افراد پایین‌تر از موقعیت فعلی خود هستند پیشرفت نخواهد کرد. تحول جامعه به وسیله قاعده تحول فیزیکی و فکری هدایت می‌شود. در دنیای حیوانی، تحول به واسطه ازدیاد حیات میسر می‌شود.

هنگامی که یک موجود زنده، نسبت به کارکردها و استعدادهای مربوط به گونه خود از حیات بیشتری برخوردار می‌شود، اندام یک گونه برتر را توسعه می‌دهد و گونه جدیدی به وجود می‌آید.

اگر ارگانسیم‌هایی موجود نباشند که فراتر از موقعیت فعلی خود باشند، گونه‌های جدید هرگز به وجود نخواهند آمد. در مورد شما نیز قانون دقیقاً همین است. ثروتمند شدن شما بستگی به کاربرد این اصل در تمامی امور دارد. هر روز یا توأم با موفقیت است و یا توأم با شکست و این روزهای همراه با موفقیت است که شما را به آنچه می‌خواهید می‌رساند. اگر هر روز توأم با شکست باشد، هرگز ثروتمند نخواهید شد. در حالی که اگر هر روز توأم با موفقیت باشد، مانعی برای ثروتمند شدن شما وجود ندارد.

اگر امروز کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد و آن را انجام ندهید، در تمامی مواردی که به این کار مربوط می‌شود شکست می‌خورید. و نتیجه این کار ممکن است خیلی فاجعه آمیزتر از آنچه باشد که شما فکر می‌کنید.

شما نمی‌توانید حتی نتایج کارهای خیلی جزئی را پیش‌بینی کنید. شما عملکرد تمامی نیروهایی را که به خاطر شما به کار می‌افتند، نمی‌شناسید. بسیاری از این موارد ممکن است مربوط به انجام یک کار کوچک از سوی شما باشد. موارد زیادی وجود دارند که می‌توانند درهای فرصت را به سوی شما بگشایند. شما هرگز نمی‌توانید تمامی ترکیباتی را که نیروی برتر در دنیای اشیا و افراد برای شما به وجود می‌آورد، بشناسید. شکست در انجام کارهای کوچک و غفلت از آنها ممکن است باعث تأخیر طولانی در بدست آوردن آنچه شود که می‌خواهید. هر روز، تمامی آنچه را که می‌توانید انجام دهید.

با این وجود در این مورد یک قید وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشید. لزومی ندارد که بیش از حد کار کنید. همچنین لزومی ندارد که به صورت کورکورانه به دنبال این باشید که بیشترین تعداد ممکن از کارها را در کمترین زمان ممکن انجام دهید.

لزومی ندارد که کار فردا را امروز انجام دهید. همچنین لازم نیست که کار یک هفته را در یک روز انجام دهید. آن چیزی که واقعاً اهمیت دارد تعداد کارهایی نیست که انجام می‌دهید، بلکه کیفیت و کارایی انجام هر یک از کارهای جداگانه است.

هر فعالیت به تنهایی، یک موفقیت یا یک شکست است.

هر فعالیت به تنهایی، کارآمد یا ناکارآمد است.

هر فعالیت ناکارآمد یک شکست است و اگر زندگی‌تان را صرف انجام فعالیت‌های ناکارآمد کنید، تمام زندگی شما یک شکست خواهد بود.

زمانی که تمامی فعالیت‌های شما ناکارآمد است، هر چه بیشتر فعالیت کنید، بدتر است. از طرف دیگر هر فعالیت کارآمد به تنهایی یک موفقیت است و اگر تمامی فعالیت‌های زندگی شما کارآمد باشد، تمام زندگی شما باید یک موفقیت باشد.

علت شکست، انجام تعداد زیادی از فعالیت‌های ناکارآمد و انجام ندادن تعداد کافی از فعالیت‌ها به صورت کارآمد است.

خواهید دید که این یک قضیه آشکار است که اگر هیچ فعالیتی ناکارآمدی را انجام ندهید و نیز تعداد کافی از فعالیت‌های کارآمد را انجام دهید، ثروتمند خواهید شد. حال اگر شما بتوانید هر فعالیتی را به صورت کارآمد انجام دهید متوجه می‌شوید که ثروتمند شدن یک علم دقیق شبیه ریاضی است. سؤالی که در اینجا به وجود می‌آید این است که آیا شما می‌توانید هر فعالیت جداگانه را با موفقیت انجام دهید. پاسخ این است که مطمئناً می‌توانید.

شما می‌توانید هر فعالیتی را به یک موفقیت تبدیل کنید زیرا نیروی برتر با شما کار می‌کند و نیروی برتر شکست نمی‌خورد.

نیروی برتر در خدمت شماست و برای تبدیل هر کار به یک موفقیت، باید توان خود را صرف آن کار کنید. هر فعالیتی کامل یا ناقص است. و زمانی که هر یک از فعالیت‌ها کامل است، شما به روش خاص عمل می‌کنید که شما را ثروتمند خواهد کرد.

اگر در زمان انجام هر کار تصویر ذهنی خود را در ذهن داشته باشید و تمامی نیروی ایمان و هدف خود را صرف آن کار کنید، آن کار به طور کارآمد و کامل انجام خواهد شد.

در اینجا است که افرادی که قدرت ذهنی را از فعالیت شخصی جدا می‌کنند، با شکست مواجه می‌شوند. آنها قدرت ذهن خود را صرف یک زمان و مکان خاص می‌کنند اما در عین حال در یک زمان و مکان دیگر فعالیت می‌کنند. بنابراین هر یک از فعالیت‌های آنها به تنهایی یک موفقیت نیست و بسیاری از آنها ناکارآمد است. اما اگر تمام توان صرف انجام هر کار شود، بدون توجه به اینکه آن کار چقدر بی‌اهمیت و معمولی است، هر یک از کارها به تنهایی یک موفقیت خواهد بود. و با توجه به واقعیت نهفته در ذات اشیاء که هر موفقیتی، راه

موفقیت‌های دیگر را باز می‌کند، حرکت شما به سمت خواسته‌هایتان و نیز حرکت خواسته‌هایتان به سوی شما، به صورت افزایشی تسریع خواهد شد.

به یاد داشته باشید که نتایج فعالیت‌های موفق، تجمعی و انباشتی است. از آنجا که علاقه به حیات بیشتر ذاتی هر چیز است، هنگامی یک فرد به سوی زندگی بهتر حرکت می‌کند، اشیای بیشتری خود را به او ملحق می‌کنند و تأثیر علایق او مضاعف می‌شود.

هر روز تمام آنچه را که می‌توانید انجام دهید و هر یک از این فعالیت‌ها را به صورت کارآمد انجام دهید. وقتی می‌گوییم که شما باید در زمان انجام کارها، هر چند کارهای کوچک و رایج، تصویر ذهنی خود را به یاد داشته باشید منظورم این نیست که لازم است در همه اوقات تصویر ذهنی خود را به طور دقیق و با همه جزئیات در ذهن داشته باشید. این کار باید در اوقات فراغت شما انجام شود تا تخیل خود را در مورد جزئیات تصویر ذهنی خود به کار ببرید و آنقدر در مورد آنها فکر کنید که در ذهن شما تثبیت شوند. اگر به دنبال نتیجه‌گیری سریع هستید تمام اوقات استراحت خود را صرف انجام این تمرین کنید.

با تفکر مستمر می‌توانید تصویر آنچه را می‌خواهید حتی با کوچکترین جزئیات بدست آورید و آن را به طور کامل در ذهن خود تثبیت کنید و نیز آن را به طور کامل به ذهن ماده بدون فرم انتقال دهید. در این صورت در زمان کار و فعالیت فقط لازم است که به تصویر ذهنی خود مراجعه کنید تا از این طریق انگیزه و ایمان خود را برای رسیدن به هدف افزایش دهید و به بهترین صورت تلاش خود را به کار بگیرید.

آنقدر روی تصویر ذهنی خود کار کنید که ناخودآگاه شما به قدری از آن پر شود که بتوانید فوراً آن را به یاد آورید. در این صورت به قدری مجذوب تصویر ذهنی خود می‌شوید که تفکر صرف در مورد آن قوی‌ترین انرژی‌های وجود شما را به کار خواهد انداخت.

اجازه بدهید یک بار دیگر نکات کلیدی خود را تکرار کنیم و با ایجاد تغییری مختصر در عبارت آخری آن را بر آنچه اکنون بدان رسیده‌ایم منطبق سازیم:

یک ماده اولیه دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن اندیشه تجسم شده است، به وجود می‌آورد.

انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

برای این منظور انسان باید از ذهنیت رقابت وارد ذهنیت خلاقیت شود و یک تصویر ذهنی واضح از آنچه می‌خواهد ایجاد کند و با ایمان و هدفمندی، در هر روز تمامی آنچه را که می‌تواند انجام دهد و هر یک از این کارها را به صورت کارآمد انجام دهد.

وارد شدن به شغل مناسب

موفقیت در هر شغل خاص بستگی به این دارد که شما از استعدادها و مهارت‌های مورد نیاز در آن شغل، بهره‌مند باشید.

بدون داشتن استعداد موسیقی هیچ فردی نمی‌تواند یک معلم موسیقی موفق شود. بدون داشتن استعدادهای مکانیکی هیچ فردی نمی‌تواند در کارهای مکانیکی موفق باشد. بدون داشتن استعداد و شم تجاری هیچ فردی نمی‌تواند در مشاغل تجاری و بازرگانی موفق باشد. اما کسب استعدادها و مهارت‌های مورد نیاز یک حرفه خاص تضمینی برای ثروتمند شدن نیست. برخی موسیقی‌دانان با وجود بهره‌مندی از استعدادهای قابل توجه، هنوز فقیرند. برخی از آهنگران و نجاران با وجود اینکه برخورداری از استعدادهای عالی مکانیکی، ثروتمند نیستند. برخی از تجار نیز با وجود بهره‌مندی از مهارت‌های تجاری هنوز فقیرند.

استعدادهای مختلف به منزله ابزار هستند. داشتن ابزار مناسب ضروری است اما لازم است که این ابزار به روش صحیح به کار گرفته شوند. یک فرد می‌تواند یک اره تیز، یک صفحه و چیزهایی از این قبیل را بردارد و با استفاده از آنها چیزی بسازد. فرد دیگری نیز می‌تواند همان ابزار مشابه را بردارد و برای ساختن نسخه ای جدید از همان چیز به کار برد. ولی کار او نوعی سرهم‌بندی خواهد بود. او نمی‌داند که چگونه باید از ابزار به روشی مناسب استفاده کند.

توانایی‌های مختلف شما ابزاری هستند برای اینکه به وسیله آنها کاری را انجام دهید که شما را ثروتمند کند. اگر وارد شغلی شوید که از استعدادهای ذهنی مورد نیاز آن برخوردار هستید راحت‌تر می‌توانید موفق شوید.

به طور کلی شما در شغلی که به استعدادهای شما نیاز دارد و از نظر طبیعی با آن بیشترین تناسب را دارید، بهتر می‌توانید فعالیت کنید. اما در این مورد محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. هیچ فردی نباید حرفه خود را بر مبنای استعدادهای زمان تولد خود انتخاب کند.

شما در هر شغلی می‌توانید ثروتمند شوید زیرا اگر توانایی‌های مورد نیاز آن شغل را نداشته باشید می‌توانید آنها را کسب کنید. این مطلب بدان معنی است که باید به جای اینکه خود را محدود به استفاده از استعدادهای زمان تولد خود کنید، در طول مسیر حرکت خود ابزار را بدست آورید. ممکن است دستیابی به موفقیت در شغلی که فعلاً استعدادهای مورد نیاز آن را در حد کمال دارید، کار ساده‌تری باشد اما شما می‌توانید در هر حرفه‌ای موفق باشید زیرا توانایی کسب و پرورش هر استعداد ابتدایی را دارید و هیچ استعدادی وجود ندارد که شما نتوانید حداقل آن را به صورت ابتدایی کسب کنید.

حقیقت امر این است که شما به سادگی می‌توانید با انجام کارهایی که متناسب شما هستند ثروتمند شوید. اما زمانی به صورتی رضایت‌بخش ثروتمند می‌شوید که آنچه را که دوست دارید انجام دهید.

زندگی یعنی انجام دادن آنچه دوست داریم. اگر مجبور باشیم کارهایی را که دوست نداریم انجام دهیم و هرگز نتوانیم آنچه را که می‌خواهیم انجام دهیم، زندگی هیچ وقت رضایت‌بخش نخواهد بود. مسلم است که شما می‌توانید آنچه را که دلخواه شماست انجام دهید. علاقه به انجام کار به معنی اثبات این مطلب است که شما توانایی انجام آن کار را دارید.

علاقه مظهر توانایی است.

علاقه به نواختن موسیقی همان استعداد و توانایی نواختن موسیقی است که در جستجوی ظهور و شکوفایی خود است. علاقه به اختراع ابزار مکانیکی همان استعداد مکانیکی است که در جستجوی شکوفایی و توسعه خود می‌باشد.

زمانی که استعداد انجام یک کار، چه پرورش یافته و چه پرورش نیافته، وجود ندارد، هیچ علاقه‌ای نیز برای انجام آن کار وجود ندارد و علاقه شدید به انجام یک کار دلیلی محکم بر وجود استعداد و توانایی بالا برای انجام آن کار می‌باشد. فقط این استعداد باید پرورش یابد و به روش درست به کار گرفته شود.

در شرایط یکسان بهتر است شغلی را انتخاب کنید که بیشترین تناسب را با آن دارید. اما اگر علاقه زیادی به انجام یک کار دارید باید آن کار را به عنوان هدف نهایی خود انتخاب کنید.

شما می‌توانید آنچه را می‌خواهید انجام دهید. این حق شماست که به دنبال شغل و حرفه‌ای بروید که خوشایند و سازگار شما باشد.

شما مجبور نیستید آنچه را که دوست ندارید، انجام دهید و نباید آن را انجام دهید مگر به عنوان وسیله‌ای که شما را به انجام آنچه می‌خواهید برساند.

اگر اشتباهات گذشته باعث شده باشد که شغل و موقعیت نامطلوبی داشته باشید، ممکن است برای مدتی مجبور به انجام کارهایی بشوید که دوست ندارید. اما می‌توانید با دانستن این مطلب که این کار باعث می‌شود که بتوانید کارهای دلخواه خود را انجام دهید، انجام این کار را برای خود رضایت‌بخش سازید. اگر احساس می‌کنید که در شغل دلخواه خود نیستید برای یافتن شغلی دیگر عجله نکنید. رشد و پیشرفت بهترین راه برای تغییر شغل و موقعیت است.

زمانی که فرصتی برایتان پیش آمد و پس از بررسی‌های دقیق به این نتیجه رسیدید که این فرصت برای شما مناسب است، از تغییرات ناگهانی و اساسی نهراسید. ولی زمانی که دچار تردید هستید هرگز به دنبال تغییرات ناگهانی و اساسی نباشید.

در فضای خلاقیت، هیچ‌گونه عجله‌ای وجود ندارد. همچنین در این فضا با کمبود فرصت‌ها نیز مواجه نخواهید شد.

زمانی که از ذهنیت رقابت بیرون می‌آید خواهید دانست که هرگز لازم نیست که با عجله کار کنید. هیچ‌کس دیگری به دنبال آن نیست که در انجام کارهایی که دلخواه شماست با شما رقابت کند. به اندازه کافی برای همه وجود دارد. اگر جایی گرفته شود جایی بهتر از آن به شما خواهد رسید. فرصت‌های زیادی وجود دارد. هنگامی که دچار تردید می‌شوید، صبر کنید؛ به عقب برگردید؛ به تفکر در مورد تصویر ذهنی خود پردازید؛ ایمان و هدف خود را تقویت کنید و البته در زمان‌های تردید و دودلی به شکرگزاری پردازید.

صرف یک یا دو روز برای تفکر در مورد آنچه می‌خواهید و شکرگذاری صادقانه برای بدست آوردن آن، ذهن شما را آنقدر به ماده برتر نزدیک خواهد کرد که هنگام انجام کار مرتکب هیچ اشتباهی نخواهید شد.

ذهنی برتر وجود دارد که همه دانستنی‌ها را می‌داند. اگر عمیقاً شکرگذار باشید، می‌توانید به واسطه ایمان و با هدف پیشرفت در زندگی، به ذهن برتر پیونددید.

اشتباهات یا از فعالیت عجولانه ناشی می‌شوند یا از فعالیت همراه با ترس و دودلی و یا از فراموش کردن انگیزه واقعی یعنی زندگی بیشتر برای همه.

زمانی که وارد روش خاص می‌شوید، فرصت‌ها به صورت افزایشی به سمت شما می‌آیند. شما باید در ایمان و هدف خود ثابت‌قدم باشید و همچنین با شکرگذاری متواضعانه، ذهن خود را در تماس نزدیک با ذهن برتر قرار دهید.

هر روز تمامی آنچه را که می‌توانید به صورت کامل انجام دهید. اما این کارها را بدون عجله، نگرانی یا ترس انجام دهید. با سرعت هر چه تمامتر حرکت کنید ولی هرگز عجله نکنید.

به یاد داشته باشید که در لحظه‌ای که شروع به عجله می‌کنید، خلاقیت و آفرینندگی را رها می‌کنید و وارد ذهنیت رقابت می‌شوید. و دوباره به فضای قدیمی برمی‌گردید.

هر زمان که خود را عجول یافتید، کمی مکث کنید؛ ذهن خود را روی تصویر ذهنی مربوط به آنچه می‌خواهید، متمرکز کنید؛ و به خاطر اینکه در حال دستیابی به آن هستید شکرگذار باشید. تمرین شکرگذاری باعث تقویت ایمان و یادآوری هدف شما خواهد شد.

احساس پیشرفت و ترقی

بدون توجه به اینکه حرفه خود را عوض کرده‌اید یا نه، رفتار فعلی شما باید در ارتباط با شغل فعلی شما باشد. شما می‌توانید با استفاده مناسب از شغل فعلی و با انجام کارهای روزانه خود به روش خاص، وارد شغل دلخواه خود شوید.

تا زمانی که شغل شما به ارتباط با سایر افراد، چه به صورت شخصی و چه از طریق نامه، وابسته است، تمام تلاش شما باید صرف این شود که احساس پیشرفت و ترقی را وارد ذهن آنها کنید.

پیشرفت همان چیزی است که تمامی مردان و زنان در جستجوی آن هستند. این همان علاقه ذهن برتر در درون آنهاست که در جستجوی شکوفایی بیشتر است.

علاقه به پیشرفت و ترقی در ذات همه چیز وجود دارد. این میل، انگیزه بنیادی جهان است. تمامی رفتار بشر بر پایه علاقه به پیشرفت است. افراد در جستجوی غذای بیشتر، لباس‌های بیشتر، مسکن بهتر، رفاه بیشتر، زیبایی بیشتر، دانش بیشتر، لذت بیشتر و در نهایت زندگی بیشتر هستند.

هر موجود زنده‌ای نیازمند پیشرفت مستمر است. زمانی که پیشرفت زندگی متوقف می‌شود، از هم پاشیدگی و مرگ شروع می‌شود.

انسان به طور غریزی این مطلب را می‌داند و از این رو همیشه در جستجوی بیشتر است. قانون پیشرفت دائمی به وسیله عیسی در تمثیل استعدادها بیان شده است؛ تنها کسانی که بیشتر بدست می‌آورند، باقی می‌مانند. علاقه طبیعی به ثروت بیشتر چیز بدی نیست و نباید مورد سرزنش قرار گیرد. این علاقه به منزله تنفس است. به خاطر اینکه این علاقه عمیق‌ترین غریزه است، همه مردان و زنان مجذوب کسی می‌شوند که ابزار زندگی بیشتری به آنها می‌دهد.

با پیروی از روش خاصی که در صفحات پیشین توصیف شد، به طور مستمر پیشرفت می‌کنید و نیز آن را به تمام افرادی می‌دهید که با آنها معاشرت دارید.

شما یک مرکز خلاق هستید که پیشرفت از شما به دیگران منتقل می‌شود.

از این بابت مطمئن باشید و اطمینان در مورد این حقیقت را به هر مرد، زن یا بچه‌ای که با شما در ارتباط است نیز انتقال دهید. بدون توجه به اینکه معامله شما چقدر کوچک است، حتی اگر این معامله فروختن یک شکلات به یک بچه کوچک باشد، روی اندیشه پیشرفت، سرمایه‌گذاری کنید. مطمئن باشید که مشتری از این اندیشه تأثیر می‌پذیرد.

احساس پیشرفت و ترقی را با استفاده از تمام کارهایی که انجام می‌دهید به دیگران منتقل کنید طوری که تمامی افرادی که با شما کار می‌کنند به این احساس برسند که شما یک فرد موفق هستید و می‌توانید بهک پیشرفت همه کسانی که با شما معامله می‌کنند، کمک کنید. حتی زمانی که افراد را در قالب روابط اجتماعی ملاقات می‌کنید و قصد معامله و فروش چیزی را به آنها ندارید، احساس پیشرفت را در آنها بیدار کنید.

شما می‌توانید این احساس را با ایمان راسخ به اینکه خودتان در مسیر پیشرفت هستید و اجازه دادن به این ایمان که به تمامی فعالیت‌های شما الهام بخشد، در آنها نفوذ کند و آنها را پرکند، منتقل کنید.

تمامی کارهای خود را با اعتقاد راسخ به اینکه یک شخصیت در حال پیشرفت هستید و به پیشرفت دیگران نیز کمک می‌کنید، انجام دهید.

احساس کنید که در حال ثروتمند شدن هستید و در این مسیر دیگران را نیز ثروتمند می‌کنید و منافع آن را به همه اعطا می‌کنید.

به موفقیت خود ننازید، به خاطر آن لاف نزنید و به صحبت‌های غیرضروری در مورد آن نپردازید. ایمان واقعی به معنی لاف‌زنی نیست.

هر جا که یک فرد لاف زن را پیدا کردید، فردی را یافته‌اید که به صورت پنهانی مردد و نگران است. ایمان خود را احساس کنید و به آن اجازه دهید که هر یک از معاملات شما را تکمیل کند. اجازه دهید که فعالیت، صدا و نگاه شما این اطمینان را ایجاد کند که شما در حال ثروتمند شدن هستید. عبارات برای انتقال این احساسات به دیگران کافی نیستند. آنها احساس پیشرفت را در وجود شما درک خواهند کرد و جذب شما خواهند شد.

شما باید طوری بر دیگران تأثیر بگذارید که آنها احساس کنند با معاشرت با شما خودشان نیز پیشرفت خواهند کرد و ببینند که شما در مقابل پولی که از آنها می‌گیرید استفاده بیشتری را نصیب آنها می‌کنید. (۶۶)

در انجام این کار نوعی غرور صادقانه داشته باشید و بگذارید دیگران نیز آن را درک کنند. در این صورت هیچ وقت بدون مشتری نخواهید بود. افراد به جایی می‌روند که پیشرفت کنند. و ماده برتر که علاقه‌مند پیشرفت همه است و همه را می‌شناسد، مردان و زنانی را که هرگز چیزی در مورد شما نشنیده‌اند به سمت شما به حرکت درمی‌آورد. در این صورت به سرعت در شغل خود پیشرفت خواهید کرد و به خاطر نتایج غیرمنتظره‌ای که به سوی شما می‌آید، شگفت‌زده خواهید شد. در این صورت قادر خواهید بود که روز به روز تشکیلات خود را توسعه دهید، منافع بزرگی بدست آورید و در صورت علاقه وارد مشاغلی شوید که سازگاری بیشتری با شما دارند.

با همه اینها، هرگز نباید بصیرت، هدف و ایمان خود را در مورد آنچه می‌خواهید از دست بدهید.

اجازه بدهید که در اینجا مطلبی را به عنوان هشدار بیان کنم.

از وسوسه اعمال قدرت روی دیگران برحذر باشید. برای یک ذهن پرورش نیافته چیزی لذت‌بخش‌تر از اعمال قدرت و تسلط روی دیگران وجود ندارد. علاقه به اعمال قدرت به منظور ارضای تمایلات خودخواهانه یکی از مصیبت‌های جهان بوده است. در طول سالیان بی‌شمار پادشاهان و سلاطین برای گسترش سلطه خود زمین را از خون انسان‌ها رنگین کرده‌اند. این کار به معنی جستجوی حیات بیشتر نیست، بلکه به معنی تمنای قدرت بیشتر است.

امروز، محرک اصلی جهان صنعتی و تجاری نیز همین عامل است. انسان‌ها در تقلایی دیوانه وار و مشابه، برای برتری یافتن بر دیگران، دلارهای خود را به نمایش می‌گذارند و قلب میلیون‌ها انسان دیگر را جریحه‌دار و زندگی آنان را ویران می‌کنند. قدرتمندان اقتصادی نیز نظیر قدرتمندان سیاسی آزمند و حریص قدرت شده‌اند. حضرت عیسی در سلطه‌طلبی نشانه‌های دنیای پلیدی را می‌دید که به دنبال برانداختن آن بود. فصل بیست و سوم انجیل متی را بخوانید و ببینید که او خودخواهی، سلطه‌طلبی، در جایگاه بالا نشستن، بر دیگران اعمال سلطه کردن و باری را بر دوش آنها نهادن را چگونه توصیف می‌کند. همچنین توجه داشته باشید که چگونه در گفته‌های خود به حواریون سلطه‌طلبی را با جستجوی خیر و نیکی مقایسه می‌کند.

از وسوسه جستجوی قدرت، از اینکه بخواهید بر دیگران تسلط داشته باشید، از اینکه ارباب دیگران باشید و از اینکه بخواهید با تظاهر بیش از حد بر دیگران تأثیر بگذارید و از این قبیل کارها، برحذر باشید.

ذهنی که به دنبال سلطه بر دیگران است یک ذهن رقابتی است و یک ذهن رقابتی، ذهنی خلاق نخواهد بود. برای اینکه بتوانید بر سرنوشت و محیط خود مسلط شوید هرگز لازم نیست که بر سایر انسان‌ها فرمانروایی کنید و در حقیقت زمانی که برای کسب موقعیت‌های بالاتر به تقلا می‌افتید، سرنوشت و محیط بر شما مسلط می‌شود و ثروتمند شدن شما تابع شانس و گمان خواهد شد.

از ذهنیت رقابتی دوری کنید. عبارتی بهتر از قاعده طلایی جونز در مورد اصل مربوط به رفتار خلاق وجود ندارد: « آنچه برای خودم می‌خواهم، برای دیگران نیز می‌خواهم.»

انسان مترقی (پیشرفته)

آنچه در فصل پیش گفتم همان طور که در مورد افراد متخصص و حقوق بگیر کاربرد دارد، در مورد افرادی که تجارت می‌کنند نیز کاربرد دارد.

بدون توجه به اینکه آیا یک پزشک هستید یا یک معلم یا یک کشیش اگر باعث ایجاد پیشرفت در زندگی دیگران و شوید و این حقیقت را برای آنها مشهود سازید، جذب شما خواهند شد و شما ثروتمند خواهید شد. پزشکی که تصویر ذهنی خود به عنوان یک درمانگر موفق را حفظ می‌کند و همان طور که در فصول پیشین توضیح داده شد، برای تحقق بخشیدن این تصویر ذهنی با حفظ هدف و ایمان خود تلاش می‌کند، آنچنان به منبع زندگی نزدیک می‌شود که به موفقیت غیرمنتظره‌ای می‌رسد و بیماران به سوی او هجوم می‌آورند.

هیچ کس بهتر از یک پزشک این فرصت را ندارد که آموزه‌های این کتاب را به کار ببندد. مهم نیست که او متعلق به چه دانشکده‌ای باشد زیرا قواعد درمان در همه این دانشکده‌ها یکسان است و ممکن است در همه به روش مشابهی یاد گرفته شود. یک فرد متبحر در پزشکی، که تصویر خود به عنوان یک فرد موفق را در ذهن دارد و از قانون هدف، ایمان و شکرگذاری تبعیت می‌کند، بدون توجه به روش درمان، هر مورد قابل درمانی را درمان خواهد کرد.

در دنیای مذهب نیز جهان در جستجوی کیشیشانی است که می‌تواند به مستمعان خود علم صحیح زندگی **برخوردار** را بیاموزند. کسی که بر جزئیات علم ثروتمند شدن و نیز سایر علوم مرتبط با آن نظیر سلامت، شاد بودن و عشق ورزیدن مسلط است و این جزئیات را از منبر آموزش می‌دهد هیچ گاه با کمبود مخاطب روبرو نخواهد شد. این همان مژده‌ای است که جهان به آن نیاز دارد. همان مژده‌ای که می‌تواند باعث ایجاد ترقی در زندگی شود. افراد با شادمانی به این سخنان گوش خواهند داد و پشتیبان شخصی خواهند بود که این مژده را به آنان می‌رساند.

آنچه اکنون نیازمند اثبات از منبرها می‌باشد علم زندگی است. ما نیازمند واعظانی هستیم که به جای اینکه در مورد چگونگی با ما صحبت کنند با شخصیت و رفتار خود این چگونگی را به ما نشان دهند. ما نیازمند واعظی هستیم که خودش ثروتمند، سالم، شاداب و عاشق باشد تا به ما یاد دهد که چگونه می‌توانیم به این چیزها برسیم. و زمانی که چنین فردی پیدا شود پیروان زیاد و وفاداری پیدا خواهد کرد.

در مورد معلمی که می‌تواند دانش‌آموزان را با ایمان و هدف زندگی رو به پیشرفت آشنا کند نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. چنین معلمی هیچ وقت بیکار نخواهد بود. هر معلمی که این ایمان و هدف را داشته باشد می‌تواند آن را به دانش‌آموزان خود منتقل کند و اگر خودش مشغول تمرین این موارد باشد نمی‌تواند آنها را به دانش‌آموزان منتقل کند.

آنچه در مورد معلم، واعظ و پزشک صدق می‌کند در مورد وکیل، دندانپزشک، مشاورین املاک، کارمندان بیمه و هر کس دیگری نیز صادق است.

ترکیب فعالیت ذهنی و شخصی که قبلاً توضیح دادم به شکست نخواهد انجامید. هر مرد و زنی که این دستورالعمل‌ها را به صورت دائمی و با پشتکار به کار بگیرد، ثروتمند خواهد شد. قانون پیشرفت زندگی مانند قانون جاذبه در عملکرد خود از اطمینان ریاضی بالایی برخوردار است. ثروتمند شدن یک علم دقیق است.

یک فرد حقوق بگیر مانند هر فرد دیگری این قانون را صادق خواهد یافت. فکر نکنید که به خاطر اینکه در جایی کار می‌کنید که در آن فرصتی برای پیشرفت وجود ندارد، دستمزدها پایین و هزینه زندگی بالاست، شانس برای ثروتمند شدن ندارید. تصویری ذهنی و شفاف از آنچه می‌خواهید در ذهن خود ایجاد کنید و با ایمان و هدف کسب آن به شروع به کار کنید.

هر روز تمام کارهایی را که می‌توانید انجام دهید و هر کار خود را در بهترین حالت انجام دهید. و هنگام انجام هر یک از کارهای خود، قدرت موفقیت و هدف خود در مورد کسب ثروت را به یاد داشته باشید.

البته این کار را صرفاً به خاطر اینکه نظر کارفرمای خود را جلب کنید و به امید اینکه او و سایر افرادی که از شما بالاترند کار خوب شما را ببینند و درجه شما را ارتقا دهند، انجام ندهید. احتمال دارد که آنها این کار را انجام ندهند.

کسی که یک کارمند «خوب» است و موقعیت خود را با به کارگیری بهترین توانایی‌های خود پوشش می‌دهد و از آن احساس رضایت می‌کند، برای کارفرمای خود ارزشمند است و این علاقه کارفرمای او نیست که باعث ارتقای او می‌شود او خود ارزشی فراتر از موقعیت فعلی خود دارد.

به منظور اینکه پیشرفت شما تضمین شود علاوه بر اینکه باید از موقعیت خود فراتر باشید به چیز دیگری نیز نیاز دارید.

کسی می‌تواند از پیشرفت خود مطمئن باشد که خیلی فراتر از موقعیت فعلی خود باشد و همچنین درکی واضح و قطعی از آنچه می‌خواهد داشته باشد. یعنی فرد هم باید بداند که می‌تواند آنچه بشود که می‌خواهد و هم باید بداند که چه می‌خواهد.

سعی نکنید با این دیدگاه که نظر کارفرمای خود را جلب کنید، فراتر از موقعیت فعلی خود کار کنید. این کار را با ایده پیشرفت خود انجام دهید. در جریان انجام کار و نیز قبل و بعد از انجام آن، متوجه ایمان خود و هدف پیشرفت باشید. آنقدر روی ایمان و هدف خود متمرکز شوید که هر فردی که با شما ارتباط دارد چه سرکارگر، چه کارگر و چه آشنا، قدرت تشعشع آن را از شما احساس کند و هر کس احساس پیشرفت و ترقی را از شما دریافت کند. در این صورت افراد جذب شما خواهند شد و در صورتی که در شغل فعلی موقعیتی برای پیشرفت شما وجود نداشته باشد به زودی فرصتی فراهم خواهد شد که وارد شغل دیگری شوید.

قدرتی برتر وجود دارد که هرگز در ارائه فرصت برای انسان‌های در حال پیشرفتی که به دنبال تبعیت از این قانون هستند، با شکست روبرو نمی‌شود.

زمانی که شما به روش خاص عمل می‌کنید خدا به شما کمک نمی‌کند. او به این خاطر این کار را انجام می‌دهد که به خودش کمک کند.

هیچ چیزی در شرایط شما و یا در موقعیت صنعتی وجود ندارد که باعث عقب‌نگه داشتن شما شود. اگر با کارکردن در صنعت انحصاری فولاد نتوانید ثروتمند شوید می‌توانید در یک زمین کوچک کشاورزی ثروتمند شوید. اگر شما شروع به حرکت به روش خاص کنید مطمئناً از صنعت استیل خارج خواهید شد و به زمین کشاورزی یا هر جای دیگری که بخواهید می‌روید.

اگر چند هزار نفر از شاغلان صنعت انحصاری فولاد شروع به استفاده از روش خاص کنند، این صنعت گرفتار مخمصه بدی خواهد شد. در این صورت یا باید برای شاغلان خود فرصت‌های بیشتری فراهم کند و یا فعالیت خود را متوقف کند. هیچ کس مجبور به کار کردن برای یک صنعت انحصاری نیست. یک صنعت انحصاری (تراست) می‌تواند افراد را در آنچنان شرایط ناامیدکننده‌ای قرار دهد که از نظر فکری آنقدر تنبل شوند به دنبال یادگیری و کاربرد علم ثروتمند شدن نباشند.

وقتی شروع به فکرکردن و عمل‌کردن به روش خاص کنید، ایمان و هدف شما باعث می‌شود که فرصت‌هایی را بیابید که شرایط شما را بهبود بخشد.

این فرصت‌ها به سرعت به سمت شما خواهد آمد زیرا ماده برتر که در همه چیز و در شما فعالیت می‌کند، این فرصت‌ها را برای شما به وجود خواهد آورد.

به دنبال فرصتی نباشید که شما را به تمامی آنچه می‌خواهید برساند. هر وقت فرصتی پیش می‌آید که می‌تواند شرایط فعلی شما را بهبود می‌بخشد، از آن استفاده کنید. این فرصت اولین گام به سوی فرصت‌های بزرگتر خواهد بود.

امکان ندارد که در این دنیا انسانی که به دنبال پیشرفت در زندگی است با فقدان فرصت‌ها روبرو شود. این قانون در ذات جهان هستی وجود دارد که همه چیز باید در خدمت این شخص باشد و به نفع او کار کند. این شخص اگر به روش خاص فعالیت و فکر کند مطمئناً ثروتمند خواهد شد. بنابراین زنان و مردان حقوق

بگیر باید با علاقه کامل این کتاب را بخوانند و با اطمینان رهنمودهای آن را به کار گیرند. این روش شکست ناپذیر است.

برخی ملاحظات و نتیجه‌گیری

برخی از افراد این دیدگاه را که علمی دقیق برای ثروتمند شدن وجود دارد به سخره می‌گیرند. این افراد با تأکید بر اینکه عرضه ثروت محدود است، اصرار دارند که قبل از اینکه تعداد مقابل ملاحظه‌ای از افراد بتوانند توان رقابت را پیدا کنند، مؤسسات اجتماعی و دولتی باید تغییر کند. اما این مطلب درست نیست.

درست است که دولت فعلی توده‌های انبوهی از مردم را در فقر نگه داشته است، اما علت این موضوع آن است که آنها به روش خاص عمل و فکر نمی‌کنند.

اگر این توده‌ها به روشی که در این کتاب پیشنهاد شده است، شروع به فعالیت برای پیشرفت کنند، به ثروتمند شدن خود ایمان داشته باشند و با هدف ثروتمند شدن پیش بروند، هیچ چیزی نمی‌تواند آنها را در فقر نگه دارد. افراد می‌توانند در زمان هر دولتی وارد روش خاص شوند و خودشان را ثروتمند کنند و زمانی که تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد به این روش عمل کنند، دولت را وادار می‌کنند که طوری تعدیل یابد که راهی را برای پیشرفت دیگران باز کند.

در دنیای رقابت، هر چه تعداد بیشتری از افراد ثروتمند شوند، وضعیت بقیه بدتر می‌شود. اما در دنیای خلاقیت هر چه افراد بیشتری ثروتمند شوند، برای بقیه نیز بهتر است.

فقر اقتصادی توده‌ها تنها زمانی از بین می‌رود که تعداد زیادی از افراد روش علمی مطرح شده در این کتاب را به کار گیرند و ثروتمند شوند. این کار به دیگران نیز راه را نشان خواهد داد و علاقه به زندگی واقعی را در وجود آنها زنده و ایمان آنها را برای دستیابی به آن افزایش خواهد داد.

با توجه به آنچه تا به حال گفته شد باید متوجه شده باشید که نه دولت و نه سیستم سرمایه‌داری و رقابتی صنعتی مانع ثروتمند شدن شما نمی‌شود. هنگامی که از نظر ذهنی وارد فضای خلاقیت می‌شوید از این چیزها فراتر می‌روید و شهروند اقلیم دیگری می‌شوید.

اما به یاد داشته باشید که اندیشه شما باید در فضای رقابتی نگه داشته شود. حتی برای یک لحظه هم نباید تسلیم این فکر شوید که عرضه امکانات محدود است. همچنین نباید در فضای رقابتی فعالیت کنید. هر وقت که دوباره وارد روش‌های قدیمی فکر کردن شدید، به سرعت دیدگاه خود را اصلاح کنید. زیرا زمانی که وارد ذهنیت رقابتی می‌شوید، همکاری و مشارکت ذهن برتر را از دست می‌دهید.

وقت خود را صرف برنامه ریزی برای نحوه برخورد با حوادث غیرمنتظره در آینده نکنید مگر در موارد خاصی که روی فعالیت فعلی شما تأثیر می‌گذارد. آنچه فعلاً باید نگران آن باشید انجام کارهای امروز به بهترین وجه است نه حوادث پیش‌بینی نشده‌ای که ممکن است در آینده اتفاق بیفتند. زمانی که این اتفاقات رخ دهند می‌توانید به نحو مناسب با آنها برخورد کنید.

خودتان را با سؤالاتی از این قبیل که چگونه می‌توانید بر موانعی که در مسیر کسب و کار خود با آن مواجه می‌شوید، غلبه کنید درگیر نکنید مگر اینکه به وضوح بدانید که به منظور جلوگیری از آن باید روش فعلی خود را تغییر دهید.

بدون توجه به اینکه مانعی که ممکن است در مسیر حرکت خود با آن مواجه شوی، چقدر بزرگ است، خواهید دید که اگر به روش خاص عمل کنید، زمانی که به این مانع برسید ناپدید می‌شود و یا اینکه راهی برای غلبه بر آن یافت می‌شود.

هیچ‌گونه ترکیبی از شرایط نمی‌تواند باعث شکست مرد و یا زنی شود که می‌خواهد از مسیرهای دقیق علمی ثروتمند شود. غیرممکن است که مرد یا زنی که از این قانون تبعیت می‌کند ثروتمند نشود. هیچ کس نمی‌تواند دو را در دو ضرب کند و به چهار نرسد.

به خاطر مصیبت‌ها، موانع، بحران‌ها و سایر شرایط نامطلوب نگران و مضطرب نباشید. به اندازه کافی وقت هست که زمانی که این شرایط خود را به شما نشان دادند با آنها روبرو شوید. در این صورت خواهید دید که هر مشکلی راه‌حل خود را نیز به همراه می‌آورد.

مراقب حرف‌ها و صحبت‌های خود باشید. هرگز با یأس و نومیدی در مورد خود، تلاش‌های خود و یا هر چیز دیگری صحبت نکنید.

هیچ وقت امکان شکست را نپذیرید و طوری صحبت نکنید که به امکان شکست اشاره‌ای بشود.

هرگز در مورد لحظات سخت و شرایط نامطمئن تجاری صحبت نکنید. لحظات برای کسی به سختی خواهد گذشت و شرایط تجاری برای کسی نامطمئن خواهد بود که ذهنیت رقابتی دارد اما برای شما این طور نیست. شما می‌توانید آنچه را می‌خواهید خلق کنید. شما برفراز ترس قرار دارید.

زمانی که دیگران لحظات سخت و کسب و کار ضعیفی دارند، شما بهترین فرصت‌ها را خواهید یافت. خود را طوری عادت دهید که به جهان به دید چیزی که در حال شدن و رشد کردن است، نگاه کنید و به آنچه بدی به نظر می‌رسند، به دید چیزی نگاه کنید که توسعه نیافته است. همیشه در مورد پیشرفت صحبت کنید. انجان چیزی غیر از این بدان معنی است که ایمان خود را از دست داده‌اید و از بین رفتن ایمان شما به یک چیز به معنی از دست دادن آن چیز می‌باشد.

هیچ‌گاه ناامیدی را به وجود خود راه ندهید. ممکن است انتظار داشته باشید که یک چیز معین را در یک زمان معین در آینده بدست آورید و این اتفاق نیفتد و به نظر شما بیاید که شکست خورده‌اید.

اما اگر ایمان خود را حفظ کنید خواهید دید که این شکست ظاهری است.

به استفاده از روش خاص ادامه دهید در این صورت اگر آن چیز را دریافت نکردید و چیزی خیلی بهتر از آن به دست شما رسید خواهید دید که شکست ظاهری شما یک موفقیت بزرگ بوده است.

یکی از فراگیران این علم ذهن خود را روی مجموعه‌ای از شرایط مورد علاقه خود در یک کسب و کار خاص، متمرکز و چند هفته برای بدست آوردن آن تلاش کرد ولی در زمان موعود به دلایل نامشخص به خواسته خود نرسد. انگار که برخی از عوامل پنهانی برخلاف خواسته او عمل می‌کردند. او ناامید نشد. در مقابل به خاطر اینکه بر خواسته خود مسلط شده است خدا را شکر کرد و با احساسی شکرگذارانه به فعالیت خود ادامه داد. در عرض چند هفته فرصتی خیلی بهتر از آن برای او پیش آمد که قبلاً آن را در محاسبات خود لحاظ نکرده بود. و او فهمید که ذهن برتر که بیش از او می‌داند به خاطر اینکه او بتواند فرصت خیلی بهتر را بدست آورد، از رسیدن او به فرصت کم اهمیت‌تر جلوگیری کرده است.

این موضوع در مورد شما نیز صدق می‌کند اگر ایمان خود را حفظ کنید، هدف خود را در ذهن داشته باشید، شکرگذار باشید و هر روز تمامی آنچه را که می‌توانید به بهترین حالت و به روشی کارآمد انجام دهید.

شکست شما در برخی موارد به این دلیل است که به اندازه کافی روی خواسته خود تأکید نکرده‌اید. به کار خود ادامه دهید در این صورت مطمئناً چیزی بهتر از آنچه به دنبالش بودید، بدست خواهید آورد. این نکته را به خاطر بسپارید.

شما به دلیل نداشتن استعدادهای لازم برای انجام کار مورد نظر خود با شکست روبرو نخواهید شد. زیرا اگر به روشی که بیان کردم عمل کنید تمامی استعدادهای لازم برای انجام آن کار را در خود پرورش خواهید داد. هدف این کتاب این نیست که در مورد علم پرورش استعدادها بحث کند. اما مطمئناً در مورد فرایند بدست آوردن ثروت بحث می‌کند.

اما به خاطر ترس از اینکه وقتی وارد یک کار خاص شوید توانایی انجام آن را نداشته باشید، دچار تردید و نگرانی نشوید. به کار خود ادامه دهید در این صورت زمانی که وارد آن موقعیت شوید به توانایی‌های لازم نیز مجهز خواهید شد. همان منبعی که لینکلن درس نخوانده را قادر ساخت که بزرگترین کاری را که تا به حال هیچ کس قادر به انجام آن نبوده، در دولت انجام دهد، در اختیار شما هم هست. شما نیز می‌توانید برای کسب دانش مورد نیاز برای مواجه شدن با مسئولیت‌هایی که بر عهده شماست، به ذهن برتر نزدیک شوید. با ایمان راسخ به راه خود ادامه دهید.

این کتاب را بخوانید و تا زمانی که به تمامی ایده‌های موجود در آن مسلط شوید، آن را همراه خود داشته باشید. در حالی که ایمان خود را تقویت می‌کنید بهتر خواهید دانست که بسیاری از تفریحات و سرگرمی‌ها را رها کنید و از مکان‌هایی که ایده‌های مخالف این کتاب از طریق سخنرانی و موعظه در آنها ترویج می‌شود، دوری کنید. مطالب بدبینانه و متضاد را نخوانید و وارد بحث پیرامون این مطالب نشوید. در این مورد کمتر بخوانید البته غیر از آثار نویسندگانی که در مقدمه ذکر شده‌اند. اغلب اوقات استراحت خود را صرف تفکر در مورد تصویر ذهنی خود، شکرگذاری و خواندن این کتاب کنید. این کتاب دربرگیرنده تمام چیزهایی است که برای ثروتمند شدن بدان نیاز دارید. تمام نکات ضروری در این مورد را در فصل بعد خواهید یافت.

خلاصه علم ثروت

یک ماده اولیه دارای فکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت اولیه‌اش در فواصل میانی جهان نفوذ کرده و آنها را پر می‌کند.

یک اندیشه روی این ماده اولیه، چیزی را که به وسیله آن اندیشه تجسم شده است، به وجود می‌آورد. انسان می‌تواند به اشیاء در ذهنش شکل دهد و با تأثیر روی ماده بدون فرم از طریق تفکر خود، باعث به وجود آمدن چیزی بشود که به آن فکر می‌کند.

برای این منظور انسان باید از ذهنیت رقابت وارد ذهنیت خلاقیت شود. در غیر این صورت نمی‌تواند خود را با ذهن بدون فرم که ذاتاً همیشه خلاق است، هماهنگ کند.

انسان می‌تواند از طریق شکرگذاری عمیق و خالصانه به منظور تثبیت خواسته‌های خود روی ماده بدون فرم، به طور کامل با آن هماهنگ شود. شکرگذاری ذهن انسان را با شعور برتر متحد می‌کند طوری که اندیشه‌های انسان به وسیله ماده بدون فرم دریافت می‌شود. انسان فقط به واسطه متحد شدن با ماده بدون فرم و از طریق شکرگذاری عمیق و مداوم، می‌تواند در فضای خلاقیت باقی بماند.

انسان باید یک تصویر ذهنی واضح از آنچه می‌خواهد داشته باشد، انجام دهد و یا بشود، ایجاد کند و این تصویر ذهنی را با هدف به دست آوردن در ذهن نگه دارد و عمیقاً شکرگذار ذهن برتر باشد که تمامی علایق او را برآورده می‌کند. انسانی که می‌خواهد ثروتمند شود باید اوقات فراغت خود را صرف تفکر برای تکمیل تصویر ذهنی خود و شکرگذاری به خاطر تحقق یافتن آن کند. زمانی که تفکر مستمر در مورد تصویر ذهنی با ایمان راسخ و شکرگذاری صادقانه همراه شود، استرس بیش از حد بر فرد غلبه نخواهد کرد. این همان فرایندی است که بر ماده بدون فرم تأثیر می‌گذارد و نیروهای خلاق را به حرکت درمی‌آورد.

انرژی خلاق از طریق کانال‌های طبیعی رشد عمل می‌کند و تابع نظم اجتماعی و صنعتی است. تمامی آنچه در تصویر ذهنی یک فرد وجود دارد در صورتی که از دستورالعمل‌های ارائه شده در بالا تبعیت کند و ایمان خود را از دست ندهد، به سمت او خواهد آمد. آنچه او می‌خواهد از طریق راه‌های تجارت و بازرگانی موجود به سمت او خواهد آمد.

انسان برای اینکه بتواند آنچه را متعلق به اوست، در زمانی که به سمت او می‌آید دریافت کند، باید فعال باشد. فعال بودن زمانی تحقق می‌پذیرد که فرد از موقعیت خود فراتر باشد. او باید هدف خود را که ثروتمند شدن از

طریق واقعیت بخشیدن به تصویر ذهنی است، به خاطر داشته باشد. همچنین باید در هر روز تمامی آنچه را که می‌تواند انجام دهد و نیز مراقب باشد که هر کار را به بهترین نحو انجام دهد. و باید نسبت به پولی که از دیگران دریافت می‌کند، استفاده بیشتری را نصیب آنها کند طوری که هر معامله وسیله‌ای برای زندگی بهتر باشد. همچنین باید به قدری روی اندیشه پیشرفت تأکید کند که همه افرادی که با او ارتباط دارند در این اندیشه با او سهیم شوند.

مردان و زنانی که به دستورالعمل‌های گفته شده عمل کنند، مطمئناً ثروتمند خواهند شد و ثروتی که بدست می‌آورند دقیقاً متناسب با شفافیت تصویر ذهنی، پایداری ایمان و عمق شکرگذاری آنهاست.

پایان

۴ مقدمه
۵ حق ثروتمند شدن
۷ علم ثروتمند شدن
۱۰ آیا فرصت ها انحصاری اند؟
۱۳ اولین اصل در علم ثروتمند شدن
۱۸ بهبود هر چه بیشتر در زندگی
۲۳ ثروت چگونه به سوی شما می آید؟
۲۷ شکرگزاری
۳۰ فکر کردن به روش خاص
۳۴ نحوه کاربرد صحیح خواسته ها
۳۸ کاربرد بیشتر خواسته ها
۴۲ رفتار کردن (عمل کردن) به روش خاص
۴۷ رفتار کارآمد
۵۱ وارد شدن به شغل مناسب
۵۴ احساس پیشرفت و ترقی
۵۷ انسان مترقی (پیشرفته)
۶۱ برخی ملاحظات و نتیجه گیری
۶۵ خلاصه علم ثروت